

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

نگاهی اجمالی به تاریخ و سیر انکشافی اداره کنترول و تفتيش

کابل

۱۳۹۰



اداره کنترول و تفتيش

شناسنامه

عنوان کتاب: نگاهی اجمالی به تاریخ و سیر انکشافی اداره کنترول و تفتيش
گردآوری و پژوهش: محمدفضل آرام و امان الدین تیموری
نوبت چاپ: اول
تیراز: ۱۰۰۰ نسخه
تاریخ نشر: زمستان ۱۳۹۰
ناشر: آمریت اطلاعات و ارتباط عامه (اداره کنترول و تفتيش)

نشانی: سرک دارالامان، افشار، جنب وزارت احیا و انکشاف دهات،

اداره کنترول و تفتيش

تلفیون: + ۹۳(۰۲۰)۲۱۰۴۵۸۲ - ۰۲۰۲۱۰۳۵۵۲

فکس: + ۹۳(۰۲۰)۲۱۰۴۵۸۲

ویب سایت: www.cao.gov.af

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فسرده سوانح رئیس اداره کنترول و تفتیش

پوهنمل دوکتور محمد شریفی فرزند محمد یوسف به سال ۱۳۳۵ خورشیدی در ولایت پنجشیر و در یک خانواده روشن و علم دوست، دیده به جهان گشوده است. تحصیلات دوره ابتدایی را در مکتب عاشقان و عارفان و دوره لیسه را در لیسه انصاری کابل به پایان رسانده، لیسانس ریاضی و فزیک و ماستر ریاضی بوده و اخیراً دوکتورا (PHD) خود را نیز بدست آورده است.

دوکتور شریفی بخاطر ادای دین میهنی و اسلامی به صفت مجاهدین پیوسته و در دوران جهاد علی‌الرغم دشواری‌های فراوان، بعنوان فرد غیر نظامی، ریاست تعليم و تربیه زون مرکز را عهده دار بوده و فعالیت‌های چشمگیری را از طریق تدویر سمتارها و کورس‌های ریاضی، فزیک، کیمیا، بیولوژی، روانشناسی و تعليم و تربیه، برای معلمین، بخاطر ارتقاء سطح دانش مسلکی و معیاری ساختن معارف، انجام داده است.
با پیروزی مجاهدین، ایشان بحیث رئیس اطلاعات و فرهنگ ولایت پروان توظیف و ضمناً سرپرستی ولایت را نیز بعهده داشتند.

با اشغال کشور توسط طالبان، به خارج از کشور مهاجر گردیده و خود مدت زیادی مصروف امور تجارت بود. وی سپس عازم انگلستان گردید و تا شکست طالبان در ریچموند کالج یونیورسیتی آن کشور مصروف تحصیل بود. پس از استقرار دموکراسی در کشور و ایجاد حکومت عبوری، موصوف دوباره به کشور عودت نموده و به اساس فرمان رئیس جمهور کشور با حفظ حقوق کادری، بحیث رئیس اداره کنترول و تفتیش، تقرر حاصل نمودند و تا اکنون در این پست ایفای وظیفه مینماید.

شریفی در همه فراز و فرودهای سیاسی کشور، رسالت تدریس در دانشگاه تعليم و تربیه کابل بمعایله یک استاد موفق، وقت شناس و شیفته تدریس، هرگز فراموش نکرده و هم اکنون هم در پهلوی وظیفه موجوده به تدریس نیز ادامه میدهد. وی عضو کمیسیون عالی معارف بوده، مقالات و نوشته‌های ایشان در جراید، روزنامه‌ها و مجلات داخلی و خارجی به نشر رسیده است. دکتور شریفی علاوه بر زبان‌های فارسی، پشتونی و بُلگاری روسی و انگلیسی نیز تکلم مینماید.

ایشان در ده‌ها همایش، سمینار و کارگاه ملی و بین‌المللی سالانه اشتراک ورزیده و از اداره عالی تفتیش کشور، بعنوان عالیترین اداره حسابرس (SAI) نمایندگی نموده است.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....

فصل اول

..... ریاست عمومی تفتیش محاسبات
از آغاز تاسیس(۱۳۲۱) تا سقوط رژیم شاهی (۲۶ سلطان ۱۳۵۲)

فصل دوم

..... ریاست تفتیش محاسبات در دوره نخستین جمهوری
از (۲۶ سلطان ۱۳۵۲) تا کودتای (۷ ثور ۱۳۵۷)

فصل سوم

..... ریاست تفتیش محاسبات در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان
از (۷ ثور ۱۳۵۷) تا (۸ ثور ۱۳۷۱)

فصل چهارم

..... اداره کنترول و تفتیش در دوره مجاهدین(دولت اسلامی) و امارات طالبان
الف: از (۸ ثور ۱۳۷۱) تا (۷ میزان ۱۳۷۵)
ب: از (۷ میزان ۱۳۷۵) تا (۲۰ عقرب ۱۳۸۰)

فصل پنجم

اداره کنترول و تفتیش در زمان اداره موقت، انتقالی و انتخابی	از (۶ جدی ۱۳۸۰) تا اکنون
استراتژی
پالیسی تفتیش
اهداف تفتیش
وظایف
میتدولوژی تفتیش
معیاد بازرگانی
گزارشدهی و انواع آن
پخش و نشر گزارش ها
ساختار تشکیلاتی تفتیش
مناسبات خارجی
موضوعات جرمی
بودجه و امور مالی آن
بخش متفرقه
ماخذ

پیشگفتار

بدون شک کشورمان افغانستان درگستره هستی اش، فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته است. دوره شاه امان الله خان غازی، یکی از درخشان ترین دوره نظام سلطنتی در کشور ما بشمار می آید، اما با به قدرت رسیدن نادرخان بر اریکه قدرت که در نتیجه یک دسیسه ای نامردانه، حبیب الله خان کلکانی را از قدرت کنار زد و مناصب دولتی را میان برادران و واستگان قبیله خویش، تقسیم نمود، کشور عمالا در مسیر نادرست و استبداد خانوادگی قرار گرفت.

نخستین اداره حسابگیر امور مالی و حسابی در چوکات صدارت عظمی، در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در کابل پایتخت کشور زیر نام "دیوان عمومی محاسبات"، ایجاد گردید. وظیفه این اداره را رسیدگی به امور اداری حکومت از نقطه نظر بررسی قوانین تشکیل میداد و گزارش اجراءات بازرگانی اداره، بمقام صدارت ارایه می شد. اداره از بدوع تاسیس تاکنون به نامهای؛ ریاست تفتيش اداری صدارت، دیوان محاسبات، ریاست تفتيش دیوان محاسبات، ریاست کنترول و تفتيش شورای وزیران، کمیته دولتی کنترول شورای وزیران، اداره کنترول و تفتيش و اخیرا به نام اداره عالی تفتيش یاد شده است. اجراءات و عملکرد این نهاد با توجه به حاکمیت خانوادگی و استبداد، در راستای منافع حاکمیت سیاسی بوده و هرگز از چند و چون صورت مصارف، بودجه

مستوره و سایر امور مالی و مصارف خانواده شاهی، نمیتوانست حساب گیری نماید. زیرا تا سال ۱۳۴۳ خورشیدی همه نخست وزیران مربوط خانواده بوده و واضح است که نه هاشم خان نه شاه محمود خان و نه داود خان هیچکدام منافع سلطنت را از نظر دور نداشته اند. فقط با انفاذ قانون اساسی ۱۳۴۳ بود که پست نخست وزیری از صلاحیت خانواده شاهی خارج ساخته شد و دوکتور محمد یوسف برای نخستین مرتبه، فراتر از خانواده شاهی بحیث صدر اعظم، از جانب شاه تعیین گردید. هرچند در دوران کوتاه صدارت یوسف خان کار زیادی بخاطر توسعه و انکشاف اداره صورت نگرفته و امور حسب معمول پیش میرفت و اما در دوره های بعدی حکومتها میوندوال، داکتر ظاهر و موسی شفیق نقش اداره در سطوح پایینی نظام شاهی، مهم و با ارزش بود. کودتای بیست و شش سلطان سیزده پنجاه و دو که در نتیجه آن رژیم خانوادگی توسط داود خان از بین رفته و در عوض برای اولین بار رژیم جمهوری در کشور استقرار پیدا کرد، ظاهرا در پرتو اهداف نظام جمهوریت، تا اندازه بی توجه به اصل شفافیت و قانون پذیری در تمام سطوح دولتی صورت گرفت. متأسفانه که دوره طلایی جمهوریت جوان زیاد دوام ننمود و با کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی که توسط حزب دموکراتیک خلق و با حمایت بیدریغ اتحاد شوروی سابق صورت گرفت، سر آغاز یکسری تحولاتی منفی گردید. در راس ادارات کشور از جمله در این اداره، همه افراد حزبی گماشته شدند، در این مرحله با سیاسی شدن نهادهای دولتی و تسلط حزب خلق و تشکهای جناحی میان خلق و پرچم، شیوه های روسی شدن ادارات در مطابقت به اهداف تیپ بر سر اقتدار، اداره کمیته دولتی کنترول نیز دست خوش تغییرات مثبت و منفی گردید. در این دوره حسابگیری موضوعات مالی چون؛ چه مقدار پول بصورت غیر قانونی از طرف ماسکو، بدسترس کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، قرارداده می شد و در کجا و چگونه و به چی منظور به مصرف می رسید، بازرسی نگردیده و این راز سر بمهر باقی ماند و

هرگز به کسی هم در باره معلومات داده نشد. اما از فعالیتها و توجه جدی مسئولین آنوقت در راستای ارایه گزارش‌های مبسوط به شورای وزیران بویژه دورانی که آقای "خلیل الله امین" ریاست این اداره را بعهده داشت، نمی‌توان چشم پوشی کرد. سرانجام با پیروزی مجاهدین، به حاکمیت حزب دموکراتیک خلق پایان داده شد و مجاهدین قدرت سیاسی را بتاریخ هشتم ثور ۱۳۷۱ خورشیدی تصاحب شدند، با استقرار دولت اسلامی، امیدواری های زیادی نسبت به آینده مطمین توام با امنیت و صلح، در دلها بوجود آمد ولی این آرامش و امیدواری دیری نپایید، جنگهای تحملی نیابتی درجهت تامین منافع همسایه ها توسط عمال آنها در داخل، کابل را به بخش های مختلف تقسیم نموده و مردم بیگناه کابل زیر راکتهای حزب اسلامی حکمتیار، خورد و خمیر گردید. کابل مرکز کشور با نهادهای موجود در آن، با بغاوت شورای هماهنگی (حکمتیار، مزاری، حضرت مجددی و دوستم) علیه دولت اسلامی افغانستان، بیشتر درآتش بیداد، شعله ورگردید تا جاییکه از دولت و دولتمردی، از نظام و نظامداری و دفتر و دفتر داری، جز نام چیز دیگری باقی نماند. وزارتها، ادارات، ولایات میان تنظیمهای جهادی تقسیم گردید و در راس آنها قسما افراد غیر مسلکی که خیلی ها متعصب هم بودند، توطیف و مقرر گردیدند. تداوم جنگهای تحملی زمینه هر نوع کار و فعالیت را در جهت حکومتداری و نظام سازی بویژه در رابطه با این اداره را از دولت اسلامی سلب نمود، هر چند یک سلسله کارهای کوچکی در عرصه های مختلف صورت گرفت، اما با تأسف فراوان که، چهار و نیم سال دوره حکومت مجاهدین فقط در جنگ با مخالفین سپری گردید، حرکتی آینه‌نامه بخاراط رفاه و باز سازی کشور انجام شده نتوانست. تا اینکه طالبان متوجه و نظمیان آی اس ای پاکستانی در شب ششم میزان سال ۱۳۷۵ خورشیدی وارد کابل گردیده و دولت اسلامی بشمال کشور تغییر موقعیت داد. با اشغال کشور بالوسیله مزدوران اجانب، وضعیت کشور کاملا دگرگون گردید، کشتن و بستن، دارآویختن، شلاق زدن، دزدی

چپاول و غارت، آزار و اذیت، در سایه امارت از وظایف همه روزه امر معروف و نهی از منکر طالبان بود. اینها منکر ارزشهای مدنی و شهری بوده با شیوه های قرون وسطایی، مردم را به گروگان گرفته و بالای آنها جکومت میکردند. مشابه به گذشته، در راس هر وزارت خانه و اداره، یک طالب قرار داشت. در ارگ مشاورین پاکستانی(کرنیلها و جرنیلها) که در واقع پالیسی سازان اصلی و صاحبان به اصطلاح تخت و تاج بودند، جا گرفته و خود در رکاب قشون عسکری به سوق و اداره می پرداختند. علاقمند نشستن به چوکی نبوده و روی فرش اتاقها دراز کشیده و از رسم اداره امور و نظام سازی اصلاً آگاهی نداشته در صدد تحمیل ارزشهای قبیلوی به عوض ارزشهای مدنی بودند. اداره کنترول و تفتیش در دوره طالبان در بدترین وضعیت قرار داشت، منسوبین اداره همواره توسط روسا، مورد اهانت قرار گرفته و نسبت به موجودیت این اداره نظر نیک نداشتند. هیچ بازرگانی اساسی از امور مالی ادارات، در این دوره انجام نگرفته است. با آنکه حدود نود و پنج درصد کشور را زیر کنترول داشتند، لیکن موفق به تحقق اهداف شان نشدند، جبهه متحد ملی که در شمال علیه اشغالگران مقاومت ملی را به پیش میرد، یگانه مانع بر تحقق اشغال سراسری کشور بواسطه مزدوران بیگانه بود. از اینرو توطیه شهادت رهبر مقاومت را، روی دست گرفته و آنرا هژده سنبله سیزده هشتاد عملی نمودند که متعاقب آن حادثه یازده سپتember دوهزار و یک در آمریکا اتفاق افتاد که آغاز سقوط این گروه متعصب و متحجر را فراهم ساخت. بتاریخ ۲۲ عقرب ۱۳۸۰ خورشیدی، نیروهای جبهه ملی با همکاری قوتهاي هوايی آمريكا، دوياره وارد كابل گردیدند و به اين ترتيب ساريوي اشغال افغانستان توسط عمال پاکستانی ناتمام ماند و کشور مجدداً به تصرف نیروهای جبهه متحد قرار گرفت.

کفرانس بن نقطه عطف در تاریخ نوین کشور که سبب ایجاد حکومتهای موقت و انتقالی و انتخابی گردید، بشمار میرود. با استقرار نظام دموکراتیک در کشور داشتن

قانون اساسی، تغییرات زیادی در عرصه های مختلف به میان آمد. پارلمان، قوه قضاییه و اجراییه بطور مستقل بکار آغاز نمود. پاسخگو بودن دولت در برابر نمایندگان مردم؛ اعم از پاسخگویی سیاسی، حقوقی و مالی در تمام سطوح در نظر گرفته شد، به آزادی بیان، حقوق زن، توجه به حقوق بشر، ازدیاد مکاتب و داششگاه ها همراه با دانش آموزان و دانشجویان، مدارس دینی توجه جدی به کمک جامعه جهانی بعمل آمد.

اداره کنترول و تفتيش در اين مرحله مورد توجه قرار گرفته و با استفاده از مساعدتهاي جامعه جهانی، پس از فراز و نشیب فراوان، بعنوان عاليترين نهاد حسابگير در مقیاس کشور، جایگاه خویش را در جنب سایر ادارات احراز نمود. حسابگيری از ادارات آغاز و مراجع بازرسی از دوصد مرجع در سال ۱۳۸۱ به نهصد و شصت مرجع در سال ۱۳۸۹ افزایش یافت، اداره از هر لحظه تجهیز و به ارتقای سطح دانش مسلکی مفتشین از طریق تدویر کورسها، سیمنارها و کارگاهها در داخل و خارج کشور اهتمام بعمل آمد. اداره عضویت سازمانهای عالی تفتيش چون "انتوسای"، "اسوسای" و "ایکوسای" را حاصل و روابط خارجی اداره با کشور های جهان تامین و گسترش یافت. از لحظه شکل و محتوى، میتدولوژی و میعاد بازرسی، انواع تفتيش و بازرسی پروژه های بانک جهانی تغییرات ملموسی بظهور رسید. قانون جدید اداره ترتیب استقلالیت اجرای و مالی کامل اداره حاصل و پس از شصت و نه سال کار و فعالیت در جاهای مختلف، سرانجام صاحب تعمیر پنج منزله عصری گردید. سیستم گزارشدهی بطور متداوم به ریاست محترم جمهوری و شورای ملی آغاز گردیده و ارتباط اداره با کمسيون مالی و بودجه(کمسيون حسابات عامه) مجلس نمایندگان تامین گردید. ریاستهای سکتوری و آمریتهای مختلف به اساس نیازمندیهای جدید، در تشکیل اداره علاوه گردید، اولين بار بازرسی سفارت خانه ها درخارج کشور بر بنیاد اصول جهانی و قوانین داخلی آغاز گردید، هیات رهبری و

مفتشین اداره در همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی اشتراک نمودند. تعلیمات‌تامه تفتیش مساعدت‌های خارجی، استانداردهای تفتیش عملکرد، معیارات تفتیش، تاریخچه مختصر اداره، استراتئیزی و پالیسی اداره چاپ و بدسترس مفتشین قرارداده شد. نام اداره از اداره کنترول و تفتیش به اداره عالی تفتیش تغییر یافت و همچنان از موقعیت موجود (مقابل وزارت خارجه) به محل دائمی خویش واقع دارالامان کابل، در فصل زمستان سال ۱۳۹۰ خورشیدی، نقل مکان نمود.

این تاریخچه بدون شک بر بنیاد معیارهای تاریخ نویسی، ترتیب نشده است، آنچه شما زیر این عنوان مطالعه می‌نمایید، در واقع گرد آوری معلوماتی است که توسط عده‌ای از همکاران با احساسم که سالیان بیشتر عمر گرانبهای خود را، بطور مستمر در این اداره گذشتانده اند و از با سابقه ترین مفتشین این اداره محسوب می‌شوند، به رشته تحریر در آمده است که لازم میدانم تا از تک تک آنها به خصوص از جناب شمس الدین رحیم جانان که هم به واسطه گردآوری اطلاعات این کتاب و هم به دلیل فعالیت‌های ثمر بخش ایشان در سال‌های فعالیتش در اداره کنترول و تفتیش اظهار تشکر می‌نمایم. سفارشها و نظریات خواننده راجع به این نوشته، بی تردید در غنای این اثر تاثیر گذار بوده از این رو متوجهیم تا ما در این راستا همکاری فرمایند.

والسلام

پوهنمل دوکتور محمد شریف شریفی

رئیس اداره کنترول و تفتیش جمهوری اسلامی افغانستان

تاریخچه و سیر انکشاف اداره کنترول و تفتيش

مقدمه:

زندگی بشر نشان میدهد که بدون موجودیت پول، دارایی و حساب گیری امکان نظم و پیشرفت در روی زمین ناممکن است. بناء حساب دهی و حساب گیری در روند اجتماعی یک موضوع حیاتی بوده و اساسات سیستم های حسابی و محاسبه در همه ممالک جهان بشمول افغانستان سیر تکاملی خود را پیموده است. چنانچه سیستم محاسبه به نام "رقوم" تا سال ۱۲۹۵ هـ ش در افغانستان بکار برده میشد. بعده سیستم های محاسبه "سیاق" تا ۱۳۰۳، محاسبه "شهرید" تا سال ۱۳۱۴، محاسبه "منچولی" تا سال ۱۳۳۳ و محاسبه "ژستون" تا سال ۱۳۳۸ یکی جاگزین دیگری در محاسبه دولتی افغانستان گردیده و بعد از آن سیستم محاسبه "دبل انتری" (دوجانبه) تا اکنون در آن عده اداراتی که از بودجه دولتی مصرف می نمایند، بکار برده می شود.

باید گفت که در هر نهاد حسابی اگر فاعل بداند که کارکرد وی در آینده کنترول و تفتيش نمی شود، امكان هر نوع تخلف و سوء استفاده از بودجه دولت متصور است. پس غرض جلوگیری از بروز چنین پدیده هایی، نهادهای حساب گیر، غرض اطمینان از شفافیت در امور مالی و حسابی در افغانستان و سایر ممالک ایجاد و فعالیت می نمایند. غرض تحقق اهداف فوق ریاست تفتيش محاسبات برای اولین بار در چوکات تشکيل صدارت عظمی وقت در سال ۱۳۲۱ هـ ش بوجود آمد.

اهداف و وظایف اداره کنترول و تفتيش همواره حصول اطمینان از صحت حسابدهی و حسابگیری، اجرای قانونی و اقتصادی مصارف، تحصیل موقع عواید دولت، چگونگی تحقق پلان های رشد اقتصادی و اجتماعی دولت، تثبیت نقايسن در اجرآات ادارات دولتی، جعل، تدویر، ساخته کاري ها، بیرون نویسی تفاوت ها به نفع بودجه دولت (دارائی عامه)، ارجاع موارد جرمی و سوء استفاده ها جهت تحقق تحصیل پول دولت و مجازات مسئولین از طریق لوی حارنوالی، ارزیابی حساب قطعیه دولت، تشخیص عوامل کسر بودجه دولت، ارائه نظریات رهنمودی به مراجع جهت رفع نواقص و کاستی ها، تثبیت و تحصیل حقوق دولت، ناشی از عدم وضع مالیه و صکوک، کمیشن ها و تفاوت قیمت خریداریها، اضافه پرداخت ها، تفاوت های تسعیر (اسعار)، تفاوت در برآورد های ساختمانی و بالاخره حصول اطمینان از صورت مصارفات که از جانب کشور های دوست مساعدت گردیده در برگرفته بازرسی و اجرآات را مستقلانه می نماید.

اداره کنترول و تفتيش عضويت سازمانهای بين المللی ادارات عالي تفتيش مثل: انتوسای، ايكوسای و اسوسای را دارا بوده و در همه جلسات و گردهماي های اعضای سازمان های مذکور اشتراك فعالانه دارد و در بازرسی های اداره، از معیارات سازمانهای متذکره استفاده بعمل می آورد.

همپنан براساس فرمان ۱۶۵ مورخ ۱۳۸۱/۹/۹ رئیس دولت انتقالی افغانستان محترم حامد کرزی، اداره کنترول و تفتيش بحیث یک اداره مستقل بازرسی امور مالی و حسابی وزارت خانه ها، ادارات، تصدیهای، موسسات و شرکت ها ایجاد و قرار حکم ۵۴۹۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۰ محترم رئیس دولت از آغاز سال ۱۳۸۳ بحیث یک واحد بودجوى مستقل مجزا از قواى سه گانه دولت، تحت اثر مستقیم مقام ریاست جمهوری فعالیت می نماید. با آغاز تحولات جدید سال (۲۰۰۱) اداره با استفاده از امکانات جامعه جهانی و کسب عضويت در سازمانهای بين المللی تفتيش و کسب

استقلالیت اداره و تامین روابط با پارلمان وارد مرحله نوین انکشافی خود گردیده و با ایجاد ظرفیت های ضروری و محتوائی، جایگاه خود را بمثابه اداره عالی تفییش افغانستان در کنار سایر ادارات عالی تفییش جهانی احراز نموده است.

باید گفت که قبل از سال ۱۳۸۴ (دوره نوین) هیچ نوع ارتباط میان پارلمان و ادارات کنترول و تفییش وقت وجود نداشته و در قوانین اساسی کشور از نقش اداره کنترول و تفییش تا اکون تذکری بعمل نیامده، در حالیکه جایگاه اداره کنترول و تفییش یا تفییش ملی در قوانین اساسی اکثر ممالک چون هند، ایران، مصر، انگلستان و فرانسه معین و مشخص گردیده است.

بناء اداره عمومی کنترول و تفییش (تفییش عالی) به مثابه عالیترین ارگان بازرگانی و کنترول کننده امور مالی و حسابی در سطح کشور بوده و از نظر ساختار تشکیلاتی مربوط به ریاست دولت جمهوری اسلامی افغانستان و مستقیماً به اساس هدایت رئیس جمهور ایفای وظیفه مینماید.

از بدرو تاسیس تاکنون این اداره از لحاظ نامگذاری به نام های ذیل مسمی گردیده است:

- ۱- در آغاز تاسیس مطابق سالنامه سال ۱۳۲۱ هـ ش به نام دمحاسباتو دعمومی تفییش ریاست.
- ۲- در سالنامه سال ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ به نام دمحاسباتو دعمومی تفییش ریاست.
- ۳- در سال ۱۳۳۱ به نام ریاست تفییش اداری صدارت.
- ۴- در سال ۱۳۳۳ به نام ریاست دیوان محاسبات.
- ۵- به اساس اصولنامه سال ۱۳۴۱ به نام ریاست تفییش دیوان محاسبات.
- ۶- در سال ۱۳۴۴ به نام ریاست تفییش عمومی محاسبات.
- ۷- به اساس مقرره مورخ ۱۷ جوزای سال ۱۳۵۶ به نام ریاست دیوان محاسبات.
- ۸- به اساس مقرره مورخ عقرب سال ۱۳۵۹ به نام ریاست عمومی کنترول و تفییش.

- ۹- در اخیر سال ۱۳۶۳ مطابق فرمان شماره ۲۲ هیات رئیسه شورای انقلابی به نام کمیته دولتی کنترول شورای وزیران.
- ۱۰- قرار فیصله شماره ۳۲۹ مورخ ۱۳۶۷/۹/۱۲ شورای وزیران ریاست عمومی تفتيش وزارت ماليه و کمیته دولتی کنترول باهم مدغم و اين اداره به نام اداره کنترول و تفتيش مسمى گردید.

سیر تکامل اداره کنترول و تفتيش

فصل اول: ریاست عمومی تفتيش محاسبات از آغاز تاسيس (۱۳۲۱) الی سقوط رژيم شاهی (۱۳۵۲ سلطان)

فصل دوم: ریاست تفتيش محاسبات در دوره نخستين جمهوري از (۱۳۵۲ سلطان) تا کودتاي (۷ ثور ۱۳۵۷) تا

فصل سوم: ریاست تفتيش محاسبات در زمان حاكميت حزب دموکراتيک خلق افغانستان از (۷ ثور ۱۳۵۷) تا (۸ ثور ۱۳۷۱)

فصل چهارم: اداره کنترول و تفتيش در دوره مجاهدين(دولت اسلامي) و امارت طالبان از (۸ ثور ۱۳۷۱) تا (۱۳۸۰ عقرب)

فصل پنجم: اداره کنترول تفتيش در زمان اداره موقت، دولت انتقالی و انتخابي از (۶ جدي ۱۳۸۰) تاکنون.

فصل اول

ریاست عمومی تفتیش محاسبات

از آغاز تاسیس (۱۳۲۱) الی سقوط رژیم شاهی (۲۶ سرطان ۱۳۵۲)

قبل از سال ۱۳۲۱ هـ ش کدام نهاد حساب گیر در ساختار تشکیلاتی رژیم شاهی کشور موجود نبود. نخستین بار در دوره صدارت سردارشاه محمود خان کاکای ظاهرشاه، اداره ای به منظور رسیدگی به امور اداری حکومت در پرتو قوانین ایجاد گردید. این نهاد به نام "ریاست عمومی تفتيش محاسبات" یاد میگردد و گزارش ده به مقام صدارت بود.

در سالنامه ۱۳۲۱ تشکیل اداره به نام، دمحاسباتو دعمومی تفتيش ریاست در چوکات صدارت عظمی ثبت میباشد.

در این تشکیل از شش تن مامورین اداری و رئیس اداره به نام غلام مجتبی خان نام برده شده است.

در شماره (۴۳) سال ۱۳۲۱ "د کابل کلنی" در مورد اجرات ریاست تفتيش عمومی محاسبات مملکتی چنین آمده است:

اجراات ریاست تفتيش عمومی محاسبات مملکتى:

- ۱- تفتيش محاسبات سنه ۱۳۱۸ الى اخير سنبله ۱۳۲۱ سه سال و شش ماه د افغانستان بانک.
- ۲- تحقیقات تانک های پترول مرکز.
- ۳- تفتيش معاملات سنه ۱۳۱۸ الى سنه ۱۳۲۰ مطابع عمومی.

۴- تفتيش شعبات اجرائيه و کنترول ۲۶ مكتب مربوط وزارت معارف از سنه ۱۳۱۹ الی ۱۳۲۰.

۵- تفتيش امور اجرائيه و محاسبه مكتب صنایع از سنه ۱۳۱۹ الی ۱۳۲۰ . همچنان رياست عمومي تفتيش محاسبات در اصولنامه هاي ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ که رئيس آن غلام مجتبى خان، معاون آن پاينده محمد خان، سه تن مدیران تفتيش و ۱۳ تن به حيت اعضای تفتيش درج تشکيل است.

هكذا در اصولنامه مورخ ۱۰ ثور ۱۳۲۵، که تاريخ طبع آن سنبله ۱۳۳۰ بوده در مورد رياست عمومي تفتيش امور اداري حکومت در افغانستان چنین مشعر است:

۱- برای تفتيش و تدقیق امور اداري حکومت يك رياست عمومي تفتيش در مرکز تشکيل می شود. اين رياست جريانات امور اداري حکومت را از نقطه نظر موقفيت و تطبيق قوانين رسيدگی كرده، مستقيما به مقام صدارت عظمي مربوط می باشد.

۲- رياست عمومي تفتيش که مقر آن در کابل است از مقام رياست و اعضای انجمن تفتيش مرکب می باشد.

۳- هيأت رياست عبارت از يك رئيس و يك معاون که بالانتخاب هيأت وزرا از طرف اعليحضرت همایونی و يك مدير تحريرات که از طرف رئيس انتخاب و به منظوري مقام صدارت عظمي مقرر ميگردد متشكيل می باشد.

۴- تشکيل رياست عمومي تفتيش ۲۶ نفر اعضای دائمي که از طرف مقام صدارت عظمي انتخاب و به اراده پادشاهي مقرر می شوند موجود است.
باید متذکر شد که دراين برهه زمانی مفاهيمی چون دیدگاه، ماموریت، استراتيژي و پاليسی در اصولنامه، تعليماتنامه، مقرر و قانون اداره کنترول و تفتيش به ملاحظه نرسيد که به توضیح آن پرداخته می شد.

وظایف ریاست تفتیش عمومی محاسبات در آن وقت بشرح زیر بود:

باید گفت ریاست دیوان محاسبات صلاحیت های قانونی خود را داشت تا از حساب قطعیه، مسایل بودجوی وزارت خانه ها اطمینان حاصل نماید و در زمینه قرار اصلاحی و انتقادی خود را صادر نماید، اما بنابر تمرکز قدرت در رژیم سلطنتی و خودکامگی صدراعظم وقت، ریاست تفتیش عمومی محاسبات در برخی موارد فاقد صلاحیت بود مثلاً صلاحیت نداشت تا مصارف و تدارکات تجهیزات اردو، بودجه سالانه دربار سلطنتی و شورای ملی را تدقیق و تفتیش نماید. لیکن وظایف ذیل را بحیث خطوط اساسی کار مسلکی انجام میداد:

- ۱- بازرگانی و مطالعه گزارش بودجه قبل از منظوری تصویب بودجه با ارائه نظریات اصلاحی.
- ۲- تفتیش دوسيه های متنازعه دواير دولتی.
- ۳- ابراز نظر حسابی در مورد دوسيه های حسابی مرتبه ادارات دولتی.
- ۴- ارائه مشوره های حسابی به حکومت.

باید گفت ریاست تفتیش عمومی محاسبات به اساس منظوری مقام صدارت در سال ۱۳۳۱ به ریاست تفتیش اداری صدارت عظمی تغییر نام و وظیفه کرده که در سالنامه ۱۳۳۱ دارای تشکیل ذیل می باشد:

- ۱- رئیس تفتیش: غلام مجتبی خان مستمندی.
- ۲- معاون: پاینده محمد خان.
- ۳- مدیر تحریرات: یک نفر
- ۴- اعضا ۲۱ نفر

باید علاوه کرد که در بخشی از بند ۳ اصولنامه مذکور در مورد وظایف رئیس، معاون و مدیر تحریرات چنین آمده است. رئیس از حسن ایفای وظایف ریاست عمومی تفتیش به مقام صدارت عظمی مسؤول می باشد. رئیس عنده الزوم برای تفتیش

دوایر حکومتی بعضی از اعضا و یا کمیسیون‌ها را موظف نموده و تعليمات لازمه برایشان میدهد. معاون، امور را که از طرف رئیس برایش سپرده شده اداره میکند. مدیر تحریرات بموجب تعليمات نامه، اوراق ریاست را تنظیم و عموم مخابرات را اداره می‌نماید.

اداره مذکور علاوه از بررسی امور مالی و اداری حتی فیصله‌های محاکم را تحت بررسی قرار میداد و در زمینه ابراز نظر می‌نمود. در سال ۱۳۳۲ با آغاز صدارت سردار محمد داود خان در پهلوی ریاست تفتيش اداری صدارت ریاست دیوان محاسبات باز هم ایجاد شد. به عوض محترم غلام مجتبی خان مستمندی، پاینده محمد خان مشهور به پاینده جان که معاون تفتيش ریاست اداری بود به حیث رئیس تفتيش اداری صدارت عظمی مقرر و حبیب الله خان نایب خیل، غند مشر لوازم که به حیث مدیر لوازم وزارت دفاع ایفای وظیفه می‌نمود در بست اول به حیث رئیس تفتيش دیوان محاسبات مقررگردیده، ۱۴ تن از صاحب منصبان را به حیث اعضای ریاست دیوان محاسبات تعیین نمود.

وظیفه دیوان محاسبات در آن وقت صرف بررسی حواله‌های پولی بالاتر از ۵۰۰۰۰ افغانی بوده که قبل از اجرا در مرکز دیوان محاسبات در محوطه صدارت از طرف وزارت‌ها، ادارات دولتی و ولایات ارسال گردیده، بعد از ویژه و نشانی شد جهت اجرای حواله به مراجع مربوطه حواله می‌گردید. تا ۵۰۰۰۰ افغانی حواله‌های پولی از طریق مراجع مربوطه تادیه صورت می‌گرفت که برای ادارات مشکلات زیاد ایجاد کرده بود و باعث معطلی حواله جات و عدم تادیه بموقع آن می‌گردید. این وضع تا سال ۱۳۴۱ ادامه یافت.

باید گفت که منظور از تاسیس دیوان محاسبات، تفتيش عمومی مالی و حسابی وزارت خانه‌ها، تصدی‌ها، شاروالیها و از نظر هدف به حیث نهاد حامی منافع وجوه عامه فعالیت می‌نمود.

در دیوان محاسبات این دوره، سیستم محاسبه "منچولی" رایج بود، اما سیستم مذکور با خواسته‌ها و ایجابات مالی و حسابی و شرایط اقتصادی عصر سازگار نبوده بناءً جایگاه این سیستم را سیستم "ترکی" گرفت. سیستم ترکی به همکاری متخصصین ترکی و استادان افغانی به مقتضیان دیوان محاسبات تدریس می‌گردید. این روش حسابی دیر دوام نکرد و به عوض آن سیستم محاسبه مضاعف(دبل انتری) یا دو جانبی جایگزین گردیده که در اکثر کشورهای جهان قبول و سیستم مذکور توسط استادان وزارت مالیه به مقتضیان ریاست دیوان محاسبات تدریس می‌شد.

در تدوین قانون محاسبات، سال ۱۳۳۳، ۳۵ ماده در مورد صلاحیت و وظایف دیوان محاسبات، مکلفیت‌های سایر ادارات در برابر دیوان محاسبات تصريح گردیده بود. مطابق ماده ۱۳ قانون مذکور، کارمندان امور حسابی در صحت و جمع آوری عواید، اجرای مصارف، رعایت قوانین، حفظ دفاتر و اسناد منظم و قابل اعتماد در برابر ریاست دیوان محاسبات مسئولیت داشته و حتی اصدار حکم مبنی بر جبران خساره از کارمندان عالی رتبه را می‌نمود. مطابق ماده ۱۴ همین قانون همه محاسبین از عواید و مصارف نقدی و جنسی، حتی همه معاملات، وقتاً فوقتاً راپور نهائی را به ریاست دیوان محاسبات ارایه می‌نمودند. از رویه ماده ۲۰ قانون محاسبات عمومی استنتاج می‌گردد، که محاسبین در مورد واردات مبالغ که قانوناً به ایشان محوّل شده، مسؤول بوده و در هنگام دوره تسلیمی به خلف خویش بایست علت و موجبه عدم تحصیل واردات را ارائه و در صورت که مبالغ تحصیل ناشده به اساس اعمال سازش و یا تقصیر محاسبین صورت می‌گرفت، حکم جبران خساره و تطبیق آن مربوط به ریاست دیوان محاسبات بود.

برمبنای ماده ۶۰ همین قانون اسناد و مقاولات شامل بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ افغانی، چی در مرکز و ولایات قبل از اجرا بمنظور ویژه و تصدیق به ریاست دیوان محاسبات

ارائه می گردد. این استناد و مقاولات تنها بعد از تصدیق ریاست دیوان محاسبات قابل اجرا بود، یعنی در این مرحله روش تفتيش ، تفتيش قبلی بود.

طبق معمول استناد که در آن وقت به رئیس دیوان محاسبات ارسال می شد از سه نقطه نظر بر آن غور صورت میگرفت:

۱- استناد خلاصه مادی نداشته باشد.

۲- مبالغ مورد نظر در تخصیصات شامل باشد.

۳- مبالغ مورد نظر با فصل و باب مربوطه، توافق داشته باشد.

برطبق احکام مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ قانون محاسبه عمومیه، چند تن از محاسبین در وزارت مالیه موظف بودند تا راپور تحصیل دیون دولت را که بر حساب قرضه ها، پیشکی ها، معاملات تجاری و پول قابل تادیه و تحصیل و تعقیب همچو قضایا را به ریاست دیوان محاسبات اطلاع میدادند.

اما این روش به سازیز شدن استناد مالی و حسابی در مرکز و ولایات که غرض ویژه و تصدیق به ریاست دیوان محاسبات تراکم نموده، پرسونل دیوان محاسبات را بیشتر مصروف میساخت تا اینکه بمنظور بهبود و انسجام بهتر امور تفتيش، عبدالکریم حکیمی که قبلاً به حیث معین وزارت مالیه ایفای وظیفه می کرد، به اساس پیشنهاد صدارت عظمی و منظوری مقام سلطنت در اواسط سال ۱۳۳۸ بحیث رئیس دیوان محاسبات مقرر گردید. اولین پیشنهاد وی در مورد مدغم شدن ریاست تفتيش اداری به ریاست تفتيش دیوان محاسبات صدارت عظمی به این خاطر بود که مشابهت های کاری میان این دو ریاست وجود داشت. اما بعد از منظوری تعدادی محدود از کارمندان ریاست تفتيش اداری به ریاست دیوان محاسبات تبدیل و متناسبی اعضای تفتيش اداری به وزارت خارجه، وزارت داخله و سایر ادارات دولتی بکار گماشته شدند. البته قابل تذکر است که عبدالکریم حکیمی در حصه ترتیب تعليمات نامه جدید تفتيش زحمات زیادی کشیده و این تعليمات نامه برای رفع مشکل وزارت

خانه ها، ادارات و مقتشین رهنماei خوبی بود. او جهت رسیدن به موفقیت در امور تفتيش عبدالحميد خان را به حيث معاون خويش تعين نمود که وی قبلا به حيث مدیر عمومي خزائن وزارت ماليه ايفاي وظيفه می نمود.

آقای عبدالحميد خان سيستم و روش تفتيش را بكلی تغيير داد، تجويز اتخاذ نمود تا استناد مالي و حسابي توسط گروپ هاي سيار مقتشين رياست ديوان محاسبات در خود مراجع، بعد از اجرا بطور قيدي تحت تفتيش قرار داده شود، که اين روش ، تفتيش را به مشکل بعدی روبرو ساخت و مقتشين را از لحاظ انجام وظايف به دو گروپ تقسيم نمود:

۱- گروپ تفتيش سيار: که مكلف به تفتيش امور حسابي، مصرفی و عايداتي در ختم هر سال مالي بود.

۲- گروپ مقتشين تصفيه: که امور سنوات ماضيه را تفتيش می نمودند.
باید علاوه نمود که بخاطر حفظ حيشت(اتوريته) مقتشين، آنان را ذريعه يك عراده موتر با نمبر پليت(الف) به مراجع تحت بازرسي اعزام می نمود. حاضرباش به عقب دفتر کار مقتشين قرار گرفته و از رفت و آمد اشخاص به داخل دفتر مراقبت می نمود، بعضاً وظيفه احضار کارمندان طرف ضرورت را نيز عهده دار بود، هرگروپ تفتيش مكلف به ارایه گزارش و اوراق معلوماتي بود. مراقبين، موضوع را مورد تحليل و ارزیابی قرار داده در صورتی که اختلاس، قلم انداز، ساخته کاري مشهود به نظر ميرسيد، متهمين قضيه را احضار و پس از استجواب، موضوع به دفتر مدعى العموم رويت داده می شد. در راس مدعى العموم آقای محمد عالم نوابي قرار داشت اعضای آن محمد جان ژوبين و قاضي غلام ايشان بود. اعضای تحقيق محمد حسن شرق، مستوفی محمد حسين خان، غلام على پيام و على حيدر شير دل بود. تحقيق عموماً از طرف شب صورت می گرفت.

مدعی العموم های دیوان محاسبات دارای صلاحیت خبط قضایی بودند، موضوع را تحقیق نموده و دوسيه های مرتبه را مطالعه و با اقامه دعوا، آن را غرض تعقیب عدلي به محاکم ارجاع می نمودند و محاکم عدلی برای حمایه منافع دولت، مساله را شامل اجنا محاکمه می نمود و در زمینه فیصله های مبنی بر مجازات و یا برأت متهم صادر میگردید.

مفتشین از اجرآت، فعالیت های سالم و غیر سالم وزارت خانه ها و دواير دولتی در امور مالی و حسابی طی جداول مشخص و معین به ریاست دیوان محاسبات گزارش میدادند، رئیس دیوان محاسبات به صدراعظم گزارش ده بود و صدارت اعظمی چگونگی موضوع را حسب لزوم دید به مجلس کابینه و یا طور انفرادی به وزیر مربوطه مطرح نمود. جداول گزارش دهی دارای ستون نتیجه، نظریه و هویت متهمین بود.

مطابق به تعليماتنامه، سه نوع تفتيش و بررسی صورت می گرفت که ذيلا تذکر می یابد:

- ۱- تفتيش قيدي: اين نوع از تفتيش عبارت از تفتيش امور مالی و حسابي که در هر سال حداقل يك مرتبه طور قيدي بعد از اجرای معاملات بعمل ميايد.
- ۲- تفتيش كامل: عبارت از کليه امور مالی و معاملات حسابي سال معين مالي يك اداره و تصدی دولت که در حالت حکم کتبی مقام صدارت يا صواب دید ریاست تفتيش عمومي محاسبات بعمل می آيد.

- ۳- تفتيش خاص: عبارت از تفتيش يك معامله معين مالی و حسابي است که در هر وقت و زمان از ریاست تفتيش عمومي محاسبات نظر به حکم کتبی مقام صدارت يا پيشنهاد کتبی آمر اعطای درجه اول بعمل ميايد و در موارد زير صورت می گيرد:

- وقوع سرقت یا نقصان، کتمان ذخایر، تجهیزات و معاشات، ظهور اختلاف در کیفیت و کمیت دارائی ها.
- ظهور و وقوع ارتشا در معاملات حسابی و مالی.
- ساخته کاری در اظهار نامه های اشخاص، بیلانس موسسات انتفاعی بمنظور کتمان از مالیات.
- ظهور تفاوت در معامله یا معاملات حسابی.
- ساخته کاری در ترتیب اسناد گمرکی.
- ساخته کاری یا عدم مراعات مقررات در اجرآت قراردهای ساختمانی و تهیه اکمال اجنباسی.

در برج دلو سال ۱۳۴۱ ش اصولنامه به نام اصولنامه تفتیش دیوان محاسبات نافذ، این اصولنامه پنج فصل و سی ماده داشت در پهلوی اصولنامه مذکور لایحه وظایف و تعليماتنامه نیز غرض تنظیم امور تهیه گردید، در ابتدا این ریاست به نام "دیوان محاسبات" یاد می شد. اما در این اصولنامه جدید از ریاست تفتیش دیوان محاسبات نام برده شده است.

ماده ۲ اصولنامه مذکور تصریح میکند: (کلیه دارائی های دولت علی العموم بعد از اجرا از طرف ریاست عمومی تفتیش محاسبات تفتیش می شد). و استناد به ماده ۳ هدف از تفتیش عبارت از تثبیت حد موقفيت و مسئولیت اجرآت است، یعنی گزارش ها و اجرآت مالی و حسابی وزارت خانه ها، تصدی ها و شاروالیها از نگاه موافقت با قوانین و حساب دولت از جانب ریاست تفتیش عمومی محاسبات مورد بازرگانی قرار داده می شد.

در فصل دوم این اصولنامه از انواع تفتیش بحث نموده و به مفتشین رهنمائی می کند که چه وقت به امر کدام مرجع ازین گونه روش استفاده گردد. البته این سه نوع

روش در تفتيش قيدی، خاص و كامل که يك اصل ابتکاري و بکر بود. همچنان دراين اصولنامه از وظایيف و مکلفيت هاي مفتشين مراجع، تذکر بعمل آمده است.

اصولنامه رياست تفتيش عمومي محاسبات صدارت عظمي

در اصولنامه موضوعه منظور شده تفتيش ديوان محاسبات مورخ روز چهارشنبه ۲۸ برج سنبله ۱۳۴۱ شمسی مطابق ۲۰ماه ربیع الثانی ۱۳۸۲ قمری دولت در فصل اول ماده اول چنین آمده است:

- ۱- تفتيش حسابي و تفتيش داري (نقد و جنس) دولت تابع احکام اين اصولنامه می باشد.
- ۲- حساب کافه داري دولت، علل العموم بعد از اجراءات از طرف رياست تفتيش عمومي محاسبات تفتيش می شود.

در ماده سوم فصل اول اصولنامه در مورد تفتيش حسابي چنین آمده است:
 ۳- تفتيش حساب عبارت از معاینه منظم، تدقیق اسناد حسابي، معاملات حسابي و اجراءات مربوطه به ترتیب استناد، سنجش و ثبیت استحقاق مدارک، عواید، مصارف و تادیات خزاین می باشد.

ماده چهارم فصل اول اصولنامه در مورد مرام و مقصد اساسی تفتيش حسابي چنین وضاحت میدهد.

۴- مرام اساسی تفتيش حسابي نزد رياست تفتيش عمومي محاسبات ثبیت حد موقعيت و مسئولیت اجراءات مالی دواير، تصدی ها و موسسات است که از وجوده عامه مصرف می نمایند.

۵- ماده ششم فصل دوم اصولنامه درمورد انواع و اساسات تفتيش حسابي حکم می نماید.

۶- طبق مواد این اصولنامه، تفتيش مالي و حسابي دواير، تصدی ها و موسسات که وجوده عame را مصرف می نمایند در قسمت تخصیصات که از طرف دولت داده شده است. از سوی ریاست تفتيش دیوان محاسبات بعمل می آید، به سه نوع تقسیم می شود.

الف: تفتيش قيدي.

ب: تفتيش كامل.

ج: تفتيش خاص.

تفتيش قيدي عبارت از تفتيش مالي و حسابي است که در محل اجرای معاملات حسابي و حداقل در هر سال يك مرتبه طور قيدي بعد از اجرای معاملات بعمل می آيد. مرام تفتيش قيدي از اجرالات دواير، تصدی ها و موسسات مصرف کننده از وجوده عame عبارت از مواد آتی است:

الف: رفع نواقص و اغلاط معاملات مالي و حسابي.

ب: جلوگيري از عدم تطبيق سیستم محاسبه و بودجه دولت و انحراف از قوانين و مقررات مالي و حسابي.

ج: تصدیق و مطابقت اجرالات با اصول و مقررات.

د: ترتیب پیشنهادات اصلاحی، با آمرین اداری و مالي، در حدود قوانین و مقررات.

ه: کشف تقلب و ساخته کاري ها.

ماهه نهم فصل دوم اصولنامه درمورد تفتيش كامل وضاحت میدهد:

تفتيش كامل عبارت از تفتيش کليه امور مالي و معاملات حسابي سال معين مالي يك اداره و تصدی دولت است که در حالات آتی نظر به حکم کتبی مقام صدارت يا صواب دید ریاست تفتيش عمومي محاسبات بعمل میآيد. درحالی که نتایج تفتيش قيدي واضح سازد که وجوده عame در معاملات و اجرالات حسابي يك اداره و

تصدی مغایر قوانین و اصول یک مملکت مصرف گردیده، تقلب و ساخته کاری در اجرآت مالی و حسابی یک اداره و تصدی موجود شود.

ماده دهم فصل دوم اصولنامه در مورد تفتيش خاص تصريح ميدارد:

تفتيش خاص عبارت از تفتيش یک معامله معين مالی و حسابی است که در هر وقت و زمان از رياست تفتيش عمومی محاسبات نظر به حكم کتبی مقام صدارت با پیشنهادات کتبی آمر اعطا درجه اول بعمل ميابد و خاصتاً در موارد ذيل صورت می‌گيرد:

الف: وقوع سرقت یا نقصان، کتمان ذخایر، تجهيزات، معاشات و ظهور اختلاف در كيفيت و كميit دارايی ها.

ب: ظهور یا وقوع عمل ارشاء در معامله يا معاملات حسابی و مالی.

ج: ساخته کاري ها در اظهارنامه های اشخاص يا بيلانس موسسات انتفاعی، به منظور کتمان، يا گريز از مليات.

د: ساخته کاري در ترتيب اسناد و معاملات سنجش محصول و عوارض گمرکی.

ه: ساخته کاري يا عدم مراعات مقررات يا مواد اصولی در ترتيب و اجرآت قراردادهای ساختمنی، تهيه و اكمال اجناس.

و: ظهور تفاوت در برآورد های ثانی و اول تعميرات.

همچنان در اين اصولنامه از وظایف و مکلفیت های مفتшин در مراجع تذکري بعمل آمده است.

بعد از استعفای سردار محمد داود از پست صدارت، دكتور محمد يوسف براي نخستين بار به حيث صدراعظم غير سلطنتی تعين گردید. در زمان موصوف قانون اساسی سال ۱۳۴۳ توسيط کميسيون توسيع قانون اساسی ترتيب و توسيط محمد طلاهرشاه توشيح گردید.



با انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ تغییرات عمده در کشور از جمله تفکیک قوای ثلاثة، آزادی های سیاسی و دموکراسی فسمأً بوجود آمد. اما در ۲۵ اکتبر مطابق به سوم عقرب سال ۱۳۴۴ که صدراعظم موظف و وزرا غرض اخذ رای اعتماد به ولسی جرگه حاضرشده بودند، در همین روز عده ای از محصلان، روشنفکران و شهروندان شهر کابل غرض استماع اجلاس در محوطه شورای ملی گرد هم آمده بودند. اما در اثر آتشباری قطعات اردو یک تن محصل و دو نفر از اشتراک کننده گان گردهمایی به قتل رسیدند و این حادثه سبب شد تا حکومت انتقالی دکتور محمد یوسف سقوط نماید و به تاریخ ۲۹ اکتبر برابر به ۷ عقرب سال ۱۳۴۴ خبر استعفای وی بنابر خرابی صحت از رادیو کابل نشرگردیده و به عوض وی محمد هاشم میوند وال رئیس مستقل مطبوعات به تشکیل کابینه ازوی محمد ظاهرشاه توظیف گردید.

باید خاطرنشان ساخت که دوکتور محمد یوسف صدراعظم وقت به عوض عبدالکریم حکیمی در سال ۱۳۴۴ دوست محمد فضل را به حیث رئیس تفتیش عمومی محاسبات تعیین نمود. در برج میزان ۱۳۴۴ موصوف بمنظور تحقیق علمی و موثر اصولنامه ریاست تفتیش عمومی محاسبات، تعلیماتنامه جدیدی را به تصویب رساند که در مقایسه با سایر لواح وظایف و با تعلیماتنامه های گذشته از نگاه محتوا و مؤثثیت در طرز اجرآت و مقتضیات همان وقت بهتر تلقی میشد، زیرا درین تعلیماتنامه مکلفیت های ریاست دیوان محاسبات، تشکیلات، لایحه وظایف، پروگرامهای تفییش حسابی، اجرآت اداری، تفییش امور انکشافی و امور عواید در مجموع در نظر گرفته شده بود.

تعلیماتنامه ریاست تفتیش عمومی دیوان محاسبات به اساس مصوبه تاریخی دوازده میزان سال ۱۳۴۴ که ذریعه فرامین ۱۳۵۰ مورخ ۱۳۴۴/۷/۱۸ عنوانی وزارت عدليه و نمبر ۱۲۵۱ مورخ ۱۳۴۴/۷/۱۸ عنوانی ریاست تفییش دیوان محاسبات نافذ گردیده است.

در مقدمه و مرام تعليماتنامه سال ۱۳۴۴ چنین آمده است:

این تعليماتنامه؛ از تعليماتنامه سابقه ریاست تفتيش محاسبات، در فرمان ۹۱۹/۵/۲۱ با تجارب حاصله و مطالعات لازمه ترتیب گردید، تا اينکه مرام و اوامر اصولنامه تفتيش دیوان محاسبات بهتر تامین شده بتواند و از جانب دیگر شعبات و مفتشین دیوان در اجرای وظایف و رفع مسؤولیت هایشان بهتر رهنمایی و کمک شوند. تعليماتنامه شامل دو قسمت، ۱۰ فصل و ۱۲۰ ماده ترتیب و توضیح گردیده بود.

قسمت اول – مکلفیت و تشکیلات برای شعبات تفتيش دیوان محاسبات.

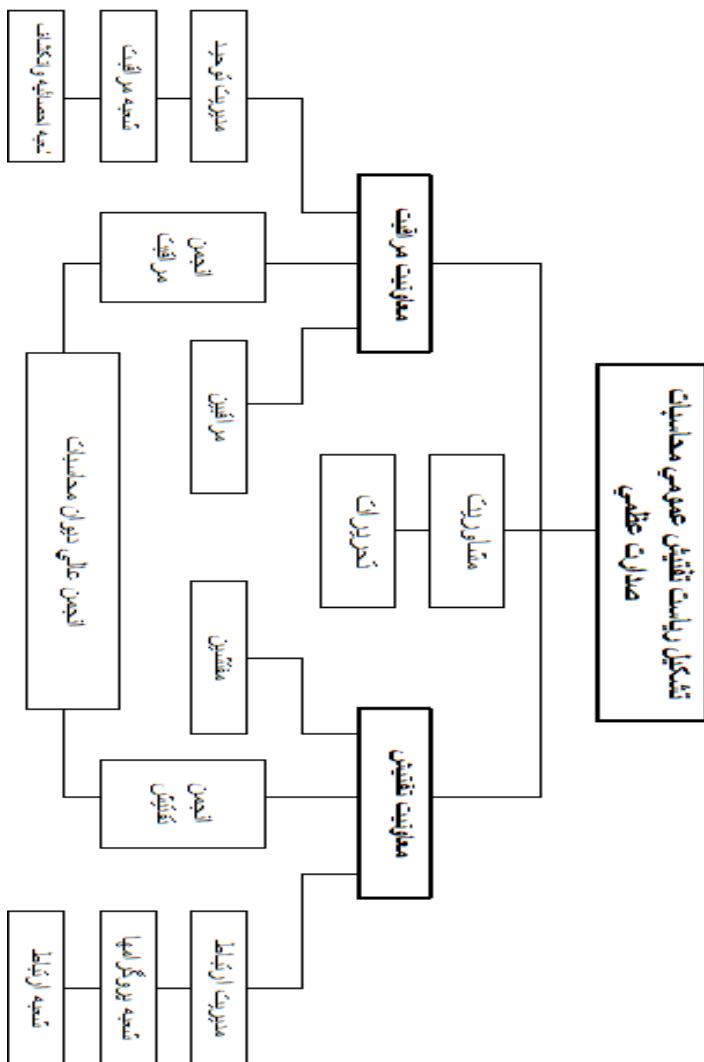
قسمت دوم – مکلفیت و وظایف برای مفتشین دیوان محاسبات.

در فصل ششم آن طی مواد ۱۰۳ تا ۱۱۳ یک سلسله مکلفیت ها و وظایف در مورد تفتيش امور انکشافی، چه از بودجه دولت و چه از طريق استقراض و کمک های بلاعوض، بازرسی آن بدوش مفتشین حسابی هدایت داده شده بود. بنابر حکم اين مواد، مفتشین باید ابتدا وجهه مصرفی و مرام بودجه انکشافی را از لحاظ مفیدیت و ضرورت جامعه مورد ارزیابی قرار میدادند. به استناد احکام فصل دوم تعليماتنامه سال ۱۳۴۴ تشکیل ریاست عمومی تفتيش محاسبات متشکل از رئیس، معاونیت تفتيش، معاونیت مراقبت، آمریت ارتباط و مدیریت عمومی توحید اداره و به تاسی از حکم ماده ۱۴ تعليمات نامه، رئیس آمر باصلاحیت درجه اول ریاست عمومی تفتيش محاسبات بوده، خط مشی ریاست را برای مراقبت از تعمیل اصولنامه های حسابی تفتيش به عهده داشته و نزد مقام صدارت مسؤول بود.

درین دوره ریاست تفتيش عمومی دیوان محاسبات با وزارت پلان ارتباط برقرار نموده به اساس موافقه اداره کنترول و تفتيش آلمان در مرکز افغانستان یک تیم آلمانی(آندرکسن) در فاکولته اقتصاد و استیتیویت اداره صنعت فعالیت داشت تا کارمندان ریاست عمومی تفتيش محاسبات در رشته های محاسبه، کنترول و تفتيش

تدریس نموده و اشخاص لایق به آلمان جهت تحصیلات اعزام شوند. چنانچه یک تعداد زیادی طی چند سال به آلمان اعزام گردیدند.

تشکیل ریاست تفتیش عمومی محاسبات صدارت عظمی قرار ذیل بود:



1344/1/3 متنظر و زنگ شده است

در سال ۱۳۴۶ عبدالحمید خان که قبلاً به حیث مدیر عمومی خزانی وزارت مالية ایفای وظیفه می نمود به عوض دوست محمد فضل، بحیث رئیس عمومی تفتيش محاسبات صدارت عظمی تقرر حاصل نمود. او توانست درین اداره یک تعداد جوانان که فارغ التحصیل فاکولته های اقتصاد و حقوق بوده به ریاست تفتيش محاسبات جذب نماید، که عبارتند از:

عبداللودود ناطری، حفیظ الله ناطق، میر نجیب الله ساهو، شمس الدین رحیم، عبدالسمیع مزاری، خان عزیز خان، عبدالمجید اصم، محمد آصف ملکیار، عبدالشکور شالیزی، عبدالقدیر، حیات الله یعقوبی، خلیل الله امین، گل محمد، عبدالصبور، عبدالفتاح آگاه، سردار محمد روشن، سید رحمت الله، محمد نومان اماک و...

علاوه بر آن یک تعداد از کارمندان را که از خود شایستگی نشان داده بودند زمینه را برایشان طوری مساعد ساخت، تا تحصیلات خویش را طور داخل خدمت در پوهنتون کابل و خارج مملکت انجام دهند که منجمله، از آقایان امیرمحمدصالحی، عبدالروف پنجشیری، غلام جان، عبدالقدیر عطایی و سید آقای همکار یاد آوری نمود. در نتیجه موصوف توانست تا سال ۱۳۵۱ اداره عمومی تفتيش محاسبات را به یک اداره اکادمیک که ۸۰٪ کارمندان آن دارای تحصیلات عالی بوده تبدیل نماید و با تجربه ترین اشخاص که در امور بازرگانی بلدیت داشتند به حیث مفتش مقرر نمود که منجمله از محترمین: کاظم ایماق، خالق داد خان، یار محمد سید خیلی، حبیب الله امام، جان محمد جانان، غلام محی الدین حبیب نام برد. عبدالحمید خان رئیس پشت میز نبود همیشه از گروپ های تفتيش در مرکز و ولایات بازدید بعمل می آورد، اجرات گروپ های تفتيش را بالفعل ارزیابی می نمود حتی استعلامیه ها را مینوشت و مکاتیب را مسوده میکرد و با مسوولین اول وزارت خانه ها، جهت بهبود و انسجام کار جلسات را تدویر می کرد. در همین دوره تمام کارمندان و مفتشین ریاست تفتيش دیوان محاسبات بدون پرسونل خدماتی در حدود صد تن می رسید.

در سال ۱۳۵۲ برای ریاست تفتیش عمومی محاسبات تشکیل جدید کاری وضع نمود که قرار ذیل است:

- ۱- ریاست تفتیش امور مرکزی.
- ۲- ریاست تفتیش امور ولایات.
- ۳- ریاست تفتیش تصدیها.
- ۴- ریاست تفتیش اداری.

هکذا لایحه وظایف و تقسیم وظایف ریاست ها تدوین و نافذ گردید.

محمد موسی شفیق صدراعظم وقت که تحصیلات عالی را در مصر به پایان رسانیده بود. قبل از پست صدارت به حیث وزیر عدله ایفای وظیفه می نمود و یک کمیته را به نام کمیسیون اهل خبره در داخل تشکیل ریاست عمومی تفتیش محاسبات ایجاد نمود. که در راس این کمیسیون سید عباس پادشاه قرار داشت و این کمیسیون بمثابه شورای مشورتی در مورد دوسيه های بعنوان ابراز نظر و عمل می نمودند.

باید علاوه نمود که در این دوره تعمیر ریاست عمومی تفتیش محاسبات در محوطه داخل صدارت عظمی قرارداشت.

اما رژیم شاهی محمد ظاهرشاه بنابر عوامل گوناگون به خصوص اختلافات خانوادگی، پیدایش و فعالیت احزاب سیاسی ، مارشها و تظاهرات وسیع روشنفکری(متعلمان و محصلان)، مطالبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مساعد بودن روند جهانی، سبب فرو پاشی نظام شاهی گردیده و در ۲۶ سلطان سال ۱۳۵۲ به اثر کوتای بدون خونریزی از طرف سردار محمد داود به رژیم شاهی و سلطنتی خاتمه داده شد و برای نخستین بار در تاریخ کشور نظام جمهوری اعلام گردید.

فصل دوم

ریاست تفییش محاسبات در دوره

نخستین جمهوری

از(۲۶ سلطان ۱۳۵۲) تا کودتای(۷ ثور ۱۳۵۷)

بعد از کودتای ۲۶ سلطان سال ۱۳۵۲ و اعلام نظام جمهوری در برج سنبله ۱۳۵۲ عبدالحمید خان از وظیفه برکنار و به عوض موصوف جنرال "میرعلی احمد مودودی" به حیث رئیس تفتیش عمومی محاسبات مقرر گردیده و مدت کار وی یک و نیم سال طول کشید. آقای مودودی در اولین اقدام تغییراتی در تشکیل ریاست عمومی تفتیش وارد نموده، ریاست های تفتیش را به مدیریت های بست ۴ تنزیل داده در راس مدیریت ها یک آمر عمومی ارتباط در بست ۲ به نام نیک محمد خان دره وال که مقتضی مسلکی و با فهم بود مقرر نمود.

سایر مدیریت ها حسب ذیل بود:

- ۱- مدیریت تفتیش تصدیها
- ۲- مدیریت تفتیش مرکزی
- ۳- مدیریت تفتیش ولایات
- ۴- مدیریت اداری

آقای مودودی انجمن عالی تفتیش محاسبات را ایجاد کرد و در راس ریاست انجمن خودش کار می کرد و اعضای آنرا آمر ارتباط و مدیران مدیریت های چهارگانه مربوطه تشکیل میداد که تصامیم را در این انجمن اتخاذ می گردید و تعليماتنامه قبلی تفتیش را قابل اجرا قرار داده و اصلاحاتی را در بخش بررسی آن

بوجود آورد. همچنان برای بار اول موعد تفتيش را از ۳ تا ۶ ماه تعين نمود و تذکر داد در صورت ادامه کار تفتيش، اگر دلایل معقول و مستند اريه گردد، مدت تفتيش، تمدید شده می تواند. ثانیا دوسيه هايی که در اداره کنترول و تفتيش از ساليان گذشته ناتكميل و يا بنابر دلایل باقی مانده بود، در مدت سه ماه هيات هاي تصفيه را تعين و توظيف نمود، تا به دوسيه هاي گذشته رسيدگي صورت گيرد.

آقای مودودی برای کارمندان رياست تفتيش عمومی محاسبات زمينه تحصيل را که درآنوقت به ندرت بورس های تحصيلي در خارج به کارمندان ميسر می شد، با کوشش وی از طريق وزارت پلان وقت و شعبات ملل متحد در کابل تماس برقرار شده و در نتيجه نمایinde ملل متحد حاضر گردید تا بورس های تحصيلي را به رياست تفتيش طی يك پلان آماده سازد.

در سلطان سال ۱۳۵۴ "دакتر" محمد انس "که از قوم محمد زايی و يکی از نواحی گان امير دوست محمد خان بود قبلًا بحیث وزیر اطلاعات و فرهنگ، وزیر عارف، سفير و استاد در رشته رياضيات و فزيک دردانشگاه کابل ايفای وظيفه می نمود بحیث رئيس تفتيش عمومی محاسبات توسيط سردار محمد داود رئيس جمهور وقت تقرر حاصل نمود، وی مردی سخت گير بود که اصلاحاتي را در اجراءات تفتيش بوجود آورد و همچنان در اداره تفتيش عمومی محاسبات يك گروپ مفسحين هندی جهت همکاري توظيف گردیدند. دكتور محمد انس يك سلسنه تعغيرات کادری را در اداره بوجود آورد و هم دوسيه های زيادي را که در ديوان محاسبات تراکم نموده بود، غرض تصفيه آن پيشنهاد يك حارنوالي اختصاصي را به مقام صدارت نمود که بالاگر پيشنهاد، آقای "غلام ايشان" به حیث حارنوالي اختصاصي حسابي مقررشد.

در سال ۱۳۵۵ يك گروپ چهارنفری متخصصين هندی به اساس پروگرام های تخنيکي و اقتصادي حکومت هند به منظور همکاري به اين رياست به افغانستان اعزام شدند، اين گروپ چهارنفری پس از يك سلسنه مطالعات، دستورالعمل های

خاص ترتیب و به داکتر انس پیشنهاد نمودند، اما با تاسف که از این متخصصین کدام استفاده موثر بعمل نیامد.

روش کاری اداره در این زمان چنین بود: گروپهای تفتیش از حالت که یک وزارت خانه را بطور عموم تفتیش نماید تعییر نموده در عوض هر واحد حسابی توسط یک گروپ جداگانه در مدت سه ماه تعیین و اعزام می‌گردید. مفتشین ابتدا پلان کار را که توسط یک هیات سروی تفتیش، قبلی بررسی انجام می‌شدند. برای مفتشین روزنامچه در میدانند و مطابق پلان مرتبه قبلى بررسی انجام می‌شد. برای مفتشین روزنامچه در داخل دفترشان ترتیب می‌شد هم چنین صورت گزارشده در ختم کار که سابق در جداول مطبوع ترتیب، می‌گردید در کاغذ سفید، گزارش ترتیب و هیات‌های تدقیق که سابق کار مفتشین و دوسيه‌های مرتبه را تحقیق می‌نمودند از بین رفته و گزارش دوسيه‌ها مستقیماً به ادارات مربوطه و یا به حارنوالی ارجاع می‌گردید.

به تاریخ ۱۷ جوزا ۱۳۵۶ قانون دیگری برای تفتیش وضع گردید. در این قانون اسم ریاست عمومی "تفتیش محاسبات" دو باره به نام "دیوان محاسبات" تبدیل شد. قانون جدید بداخل ۴ فصل و ۳۳ ماده تسویه و متعاقباً در جریده رسمی نشر و نافذ گردید. این قانون از نظر مفهوم و محتوا با اصولنامه سال ۱۳۴۱ تفاوت عمده نداشت زیرا در این قانون شکل تفتیش "بعدی" بود. یعنی اقلام قابل تفتیش ابتدا توسط هیات موظف سروی انتخاب گردیده و سپس مفتشین حسابی غرض تفتیش اقلام مذکور به مراجع اعزام می‌شدند. طرز سروی و تفتیش در عمل موقفيت آميز نبوده باعث ایجاد بی اعتمادی مفتشین گردیده و هم سبب ازدیاد مصارف سفر می‌شد. باید خاطر نشان ساخت که در دوره نظام جمهوری و کار روسای اداره کتروول و تفتیش هر یک جنرال علی احمد مودودی و دوکتور محمد انس، اصلاحات قسمی در امور تفتیش به عمل آمده که ذیلا در مورد وضاحت میدهیم.

- موعد بازرسی از سه تا شش ماه تعیین گردید و در صورت ارائه دلایل معقول، مدت بازرسی تمدید شده میتوانست.
 - دوسيه هايي که از ساليان قبل در رياست تفتيش عمومي محاسبات تراكم نموده بود. هيأت هاي تصفيه را توظيف نموده تا دوسيه هاي نا تكميل سابقه را تكميل و به موضوع خاتمه داده شود.
 - تواميت رياست عمومي تفتيش محاسبات با اداره تفتيش هندوستان برقرار گردیده و دولت هندوستان، گروپ از مفتشين هندی را به افغانستان غرض همكاری با رياست عمومي تفتيش محاسبات اعزام نمود.
- در اين دوره اصطلاحاتي چون ديدگاه، ماموريت، پلان راهبردي و پاليسي در استناد و مدارك آن وقت اداره به ملاحظه نرسيده که به شرح آن پرداخته ميشد. تعمير رياست عمومي تفتيش محاسبات در داخل محوطه صدارت عظمى موقعيت داشت. باید گفت که توجه و شخصيت خودکامه سردار محمد داود رئيس جمهور وقت در تامين دسپلين کاري، مسلکي و تحقيق اهداف رياست عمومي تفتيش محاسبات نقش بسزاي داشته و از صلاحيت مفتشين اداره مذكور، وزارت خانه ها، ادارات، تصدیها و سایر مراجع بازرسی خوف می نمودند.
- در نتيجه قانون نافذ شده مدت کوتاهی الى ۱۷ جوزا سال ۱۳۵۶ دوام یافت. زيرا رژيم جمهوري سردار محمد داود در ۷ ثور ۱۳۵۷ در يك اقدام مسلحane توسط اعضای نظامي حزب دموکراتيک خلق افغانستان پایان یافت.

فصل سوم

ریاست تفتيش محاسبات در زمان حاکمیت

حزب دموکراتیک خلق افغانستان

از (۷ ثور ۱۳۵۷) تا (۸ ثور ۱۳۷۱)

در ۷ ثور ۱۳۵۷ رژیم جمهوری سردار محمد داود از بین رفت. اما در مورد اداره باید گفت که بعد از ۱۷ ثور ۱۳۵۷ محترم "محمد زمان کریم زاده" که وی عضو جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود، بهیث رئیس عمومی دیوان محاسبات تقرر حاصل کرد. کریم زاده قبل از تقرر به این سمت در بست های رئیس تفتیش اداری صدارت، ریاست دیوان محاسبات بعد از مدغم شدن هر دو ریاست تفتیش وقت آمر تفتیش سیار و رئیس تفتیش مرکزی ریاست دیوان محاسبات اجرای وظیفه نموده بود. وی بست آمریت ارتباط را به معاونیت دیوان محاسبات ارتقا داد. و غلام غوث صادقی را به صفت معاون خویش تعیین نمود. با به میان آمدن اختلاف بین دو جناح حزب دموکراتیک خلق افغانستان (خلق و برچم) غلام غوث صادقی از وظیفه عزل و به عوض آن سید کمال باختری از ناقلین ولایت پکتیا در بلخ که قبلا در معارف به حیث معلم ایفای وظیفه مینمود مقرر گردید. وی در اجرآت کاری خویش مستقلانه عمل نموده از رئیس اداره اطاعت نمی کرد. زیرا جناح حزب خلق قدرت دولتی را در آن وقت در اختیار داشت. درین دوره روش و اجرآت شکل تفتیش را نداشته، بلکه شکل کنترول قبلى را بخود گرفت و اکثریت مامورین سابقه دار حسابی تبدیل و به عوض آنها مامورین تازه کار توظیف گردیدند. این دسته مامورین به رهنمائی ضرورت داشتند، بناء دیوان محاسبات به منظور همکاری با نهاد های حسابی و مالی دولت و تصدیها روش بازرگانی را برای یک مدت طور روزانه در نظر گرفته می شد. تا جلو اشتباہات و تخلفات حسابی بالافاصله گرفته شود. بازرگانی روزانه تا اخیر سال ۱۳۵۸ ادامه داشته این روش کاری مکلفیت کارمندان و مقتشین

دیوان محاسبات را سنگین ساخته اما بنابر عدم موثریت این شیوه دوام بیشتر آن غیر مشمر تلقی شده و از بازرگانی روزمره صرف نظر شد. چون که در واقع دخالت در کنترول قبلی وزارت مالیه پنداشته می شد.

در سال ۱۳۵۸ با توجه به اهداف و جو حاکم سیاسی تشکیل جدید مدیریتی برای اداره ترتیب گردید. درین تشکیل مدیریت های ذیل ایجاد گردید:

- ۱- مدیریت تحریرات
- ۲- مدیریت عمومی ارتباط مرکزی
- ۳- مدیریت عمومی ارتباط ولايات
- ۴- مدیریت عمومی پلان
- ۵- مدیریت عمومی ارتباط تصدیها
- ۶- مدیریت عمومی تفتيش محاسبات

در ربع سوم سال ۱۳۵۸ یک گروپ از متخصصین اتحاد شوروی وقت به افغانستان وارد و مطالعات خود را در مورد سیستم حسابی و طرائق بازرگانی در افغانستان ادامه داده برای دیوان محاسبات قانون جدیدی را تصویب نموده و جهت طی مراحل به وزارت عدلیه سپرده شد. این وزارت قانون مذکور را بعد از تعديلات غرض تصویب به مجلس وزرا تقدیم کرد اما تا وسط سال ۱۳۵۹ چنان تصویب آن میسر نگردید. بناء ریاست عمومی تفتيش محاسبات تصمیم گرفت تا مقرره جدید را به همکاری تعدادی از مشاورین شوروی وقت تصویب نماید. طرح این مصوبه آمیخته با اساسات تفتيش مدرن (انتوسای و تفتيش اتحاد شوروی وقت بود) این مقرره به تاریخ ۲۴ عقرب سال ۱۳۵۹ نافذ و دارای ۶ فصل و ۲۶ ماده در شماره ۴۶۹ جریده رسمی نشر و نافذ گردید. با انفاظ مقرره جدید این ریاست به نام "ریاست عمومی کنترول و تفتيش" مسمی گردید. وظایف این ریاست وسیع تر شد چنانچه این ریاست را در طرح پالیسی ها و آغاز تصامیم عمده مطابق ماده ۷ این مقرره

شورای مشورتی یاری میدهد. به همین ترتیب طبق ماده ۱۱ این مقرره، ساحه، حدود، زمان تفتيش ادارات و موسسات قابل تفتيش را در حدود امكان قبلان تعیین و ثبت می نمود. همچنان مطابق ماده ۱۰ مقرره اين رياست، تفتيش فعالیت هاي مالي، حسابي و اقتصادي، ادارات و موسسات دولتی را به اساس پلان هاي ربuar که قبلان ترتیب شده و به منظوري شورای وزیران رسیده باشد انجام میدهد.

رياست عمومی کنترول و تفتيش متقابلا راپور فعالیت هاي خويش را در سال دو مرتبه به مقام شورای وزیران تقديم می نمود. همچنین به استناد ماده ۲ اين مقرره اداره مکلف گردید تا برای عملی نمودن اهداف تعليماتنامه در مورد تنظيم و طرز اجرای تفتيش طبق معیار هاي تفتيش بین المللی ترتیب اثر دهد. اين تعليماتنامه در ۸ فصل و ۸۸ ماده ترتیب و طی حکم شماره ۱۸۰۶ مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۱ منظور و امر تطبیق آنرا از صدارت عظمی حاصل نمود. این سند رهنماود با ارزشی برای مقتشین به حساب می آمد. علاوه‌تا به اساس فيصله شماره ۲۶۴۴ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۷ مجلس عالی وزرای وقت، اداره مکلف گردید تا تعليماتنامه استندرد تفتيش داخلی را برای ادارات و موسسات که واحدهای تحت اثر دارند ثبت نماید که چنین شد. تعليماتنامه نامبرده در ۷ فصل و ۸۰ ماده ترتیب و منظور گردید.

در تعیینات اول سال ۱۳۵۹ اين اداره يك سلسله تعیيرات در کادر رهبري اداره وارد گردید. خليل الله امين بحیث مدير عمومی تفتيش مرکزی، خواجه عبدالستار مدير عمومی تصدیها، محمد عثمان واحدی بحیث مدير عمومی پلان مقرر شدند. پس از اندک زمان اين تعیینات دست خوش تحول شده، خليل الله امين به حیث معاون اداره مقرر گردید. خليل الله امين لیسانس فاکولته اقتصاد بود و مدتی را به منظور تحصیل در آلمان سپری نموده بود، به زبانهای دری، پشتو، آلمانی و انگلیسی تسلط داشت، نخستین کاری که کریم زاده بحیث رئیس اداره نمود در مورد بیش از ۱۰۰۰ دوسيه که در داخل اداره بی سرنوشت و لاينحل باقی مانده بود توسط عده اى

از مفتشين تحت بررسی قرار داد. دوسيه های قابل حفظ، دوسيه هایی که باید پول آن تحصيل ميشد و دوسيه هایی که به محاكم بصورت قطعی ميرفت را تفكيك نمود و بعد از ابراز نظر حارنوالي به سرنوشت ۱۰۰۰ دوسيه خاتمه داده شد.

شيوه تفتيش تقریباً به حالت اولی خود یعنی بررسی استاد توسط هيات تفتيش صورت می گرفت. به اساس تعليماتنامه جدید ترتیب پلان توسط همان هيات که موظف بازرسی ميشد، بعد از منظوری بوسیله رياست های مرکزی به منصه اجرا قرار می گرفت. در این تعليماتنامه تعریف اصطلاحات، هدف تفتيش، مکلفیت ها، صلاحیت های مفتشين، طرز اجرای تفتيش، فعالیت های ادارات و موسسات، آمادگی برای تفتيش بررسی وضع تفتيش داخلی، ترتیب نمودن نتایج استاد تفتيش توضیح گردیده و به منظور تطبیق تعليماتنامه کنترول و تفتيش کورسهاي داخل خدمت در فاكولته اقتصاد پوهنتون کابل توسط استادان و مفتشين با تجربه اداره تدریس می گردید.

بتاريخ ۹ سنبله ۱۳۶۰ محترم کريیم زاده وفات نمود و به عوض آن به مدت يكسال خليل الله امين که غير حزبي بود از رياست عمومي کنترول و تفتيش سرپرستي نموده و در ۱۰ اسد ۱۳۶۱ "محمد كبيير" که تعلق به جناح پرچم حزب دموکراتيک خلق افغانستان و رئيس گمرکات وزارت ماليه بود به صفت رئيس عمومي اداره کنترول و تفتيش تقرر حاصل نمود. در سلطان سال ۱۳۶۳ داکتر كبيير به حيز وزير ماليه مقرر گردید، در جدي همين سال داکتر كبيير يك رياست تفتيش را در وزارت ماليه که عموم ادارات را بازرسی می نمود، ايجاد کرد و ۷۰ تن از مفتشين اداره کنترول و تفتيش را به وزارت ماليه برد. اداره کنترول و تفتيش در اخير سال ۱۳۶۳ طبق فرمان شماره ۲۲ مورخ ۱۵ ثور هيات رئيسيه شوراي انقلابي به دو قسمت تقسيم و به فعالیت آغاز نمود.

۱- رياست کنترول و تفتيش وزارت ماليه.

۲- کمیته دولتی کنترول شورای وزیران.

موجودیت و فعالیت کمیته دولتی کنترول در فرمان مورخ ۱۳۶۴/۲/۱۵ و مقرره آن کمیته بر اساس ماده (۲۷) اصول عمدۀ تشکیل و وظایف وزارت‌ها و ادارات و ماده (۵۷) قانون بودجه دولتی تسجیل گردید و وظایف آن را کنترول در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، امور اجتماعی و بهبود فعالیت ادارات دولتی، تامین نیازمندی‌های مردم از نگاه مواد اولیه که از طریق موسسات دولتی عرضه می‌گردد و چگونگی فعالیت‌های تولیدی، ساختمانی، خدمات صحی، ترانسپورتی و امور تجارت را اختوا می‌نمود.

وظایف ریاست عمومی تفتیش وزارت مالیه به استناد ماده (۵۴) و (۵۵) قانون بودجه و بر طبق فیصله مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۳۰ شورای وزیران و فرمان شماره (۲۲) مورخ ۱۵ ثور ۱۳۶۴ هیات رئیسه شورای انقلابی و مقرره آن ریاست به طور عمدۀ بررسی فعالیت‌های مالی و اقتصادی به ارتباط تحقق بودجه، استفاده قانونی از منابع مادی و مالی، چگونگی حفاظت از ملکیت‌های دولتی صحت طرح مسائل حسابی، بهبود وضع کار تفتیش، جلوگیری از تحریف حقایق مربوط به عملیات مالی و حسابی مصارف غیر اقتصادی و هر نوع اضافه خرجی بود.

درین وقت رئیس کمیته دولتی کنترول آقای محمد عثمان «راسخ» عضو حزب جناح پرچم و معاون او خلیل الله امین باقی ماند. کارمندان به نام‌های «سرانسپکتور» و «انسپکتور» یاد می‌شدند و برای تشویق شان فند تشویقی با درنظر داشت اجرات شان هر ماه به اساس فیصله هیات رهبری کمیته دولتی کنترول پرداخته می‌شد.

ساختار تشکیلاتی این اداره به شکل سکتوری که از ممالک سوسیالستی کاپی شده بود چنین تغییر یافت:

ریاست پلان مالی و تجارت رئیس آن عبدالاحد «رسول».

ریاست زراعت و کوپراتیف رئیس آن عبدالعزیز «اکبری».

ریاست فرهنگی و خدمات اجتماعی رئیس آن محمد بشیر «سدید».

ریاست صنایع و ساختمان رئیس آن انجنیر محمد حسین.

ریاست ترانسپورت و مخابرات رئیس آن حبیب الله «آریزاد».

ریاست بخش قوای مسلح رئیس آن دکتر محمد نبی «امانی».

ریاست امور سازماندهی رئیس آن محترم عبدالحمید.

ریاست اسناد و ارتباط رئیس آن محمد ابراهیم «ا اسلامی».

مشاور حقوقی محمد عثمان «واحدی»

در وزارت مالیه رئیس عمومی تفتيش کسی مقرر نگردید. سر پرستی اين ریاست اولاً به آقای پوهاند محمد سرور «رحیمی» بعداً به رجب علی یگانه و به تعقیب آن به آقای محمد حکیم خان تفویض گردید. تمام اجرات این ریاست عمومی از توظیف گروپ های تفتيش، تحلیل و ارزیابی نتایج تفتيش و بالاخره ترتیب و طرح پلان توسط یک مدیر رتبه (۴) که غلام محی الدین «رکاہ» کارمند سابقه دار وزارت مالیه بود، صورت می گرفت.

به اثر پیشنهاد محمد کبیر وزیر مالیه خلیل الله امین به حیث رئیس عمومی تفتيش وزارت مالیه مقرر شد. او ساختار تشکیلاتی ریاست عمومی را مجدداً تنظیم نمود و وظایف اساسی طرز اجرای تفتيش و مکلفیت ها، ترتیب اسناد، نتایج تفتيش بعدی، تنظیم فعالیت ها، صلاحیت ها، مسئولیت ها و مکلفیت های سایر ادارات تحت تفتيش را بر جسته ساخت.

مشاورین روسی در وزارت مالیه کتابی به نام رهنمای میتدیکی تفتيش را تدوین نمودند، اما رئیس عمومی تفتيش نسبت اينکه جنبه عینی و تطبیقی نداشت آنرا کنار گذاشت.

کمیته دولتی کنترول نیز دست خوش یک سلسله تحولات شد محمد عثمان راسخ که عضو جناح پرچم حزب حاکم و قبل از بحیث معاون اداره و آمر زون شمال بود، بحیث لوی خارنوال مقرر و به عوض آن محترم لمر احمر لمر که عضویت جناح پرچم حزب حاکم را داشت در اخیر سال ۱۳۶۴ تقرر حاصل کرد. بعداً بحیث وزیر صنایع خفیفه تعیین و در سال ۱۳۶۵ محترم محمد شریف «شریفی» فرزند پاینده محمد خان، رئیس کمیته دولتی کنترول شورای وزیران مقرر شد. آقای «شریفی» دارای تحصیلات عالی در رشته اقتصاد بود. وی در حین کنترول مراجع دولتی کارمندانی را که در کار و فعالیت از خود شایستگی نشان نمی دادند و غیر فعال بودند، پیشنهاد سبکدوشی شان را به شورای وزیران و کمیته مرکزی حزب ارایه می کرد. معاون او محرم علی که عضو جناح پرچم حزب بود،

باید گفت که بیشترین تداخل در کار ریاست عمومی تفییش وزارت مالیه و کمیته دولتی کنترول شورای وزیران در ساحت مختلف وجود داشت، اهداف اساسی بخصوص فعالیت های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تولیدی ساختمانی، خدمات صحی، ترانسپورتی و تجارتی را مستلزم مصارف بودجوى بود که باید به شکل اوپراتیفی، کلی و کامپلکسی کنترول می گردید و ریاست عمومی تفییش وزارت مالیه این ساحت را بعد از ختم عملیات و ختم سال مالی از نظر قانونی، حسابی و مالی که عواید و مصارف این ساحت در بودجه دولت مد نظر گرفته می شد تفییش و یا کنترول بعدی می کرد. به این ترتیب تقسیم کردن یک ارگان بررسی تجزیه ناپذیر از لحاظ میتود کار به دو ارگان تداخل در امر کنترول و بازرگانی را به میان آورده بود.

ازینکه مرز، حدود و ثغور میان ریاست عمومی تفییش وزارت مالیه و کمیته دولتی کنترول شورای وزیران موجود نبود، بناء ضرورت ایجاد پیشنهاد یک ارگان واحد مرکزی کنترول و تفییش را به حکومت می نمود.

براساس فیصله مورخ ۱۳۶۷/۶/۱۶ شورای وزیران به منظور بهبود بیشتر امور کنترول و تفتيش و جلوگيري از تداخل وظيفوي در اين عرصه، کميسيونی تحت رياست سيد امان الدين امين معاون صدراعظم؛ مشكل از نمايندگان با صلاحيت کميته دولتی کنترول شورای وزیران، رياست عمومی تفتيش وزارت مليه، وزارت امنیت دولتی، وزارت امور داخله، وزارت تجارت، اداره امور، کار و امور اجتماعی، وزارت پلان و وزارت عدليه با جلب و همکاري لوی خارنوالي موظف گردید تا موضوع را مورد بررسی همه جانبیه قرار بدهند.

کميسيون ايجاد يك ارگان واحد مرکزی که امور کنترول و بازرسی ها را در سطح حکومت انجام دهد، تائید و پيشنهاد هفت فقره اى را به حکومت تقديم داشته اند که در بعضی فقرات آن آمده است:

۱. وزارت عدليه موظف گردد تا به اشتراك ارگان های ذيربط اصطلاحات نظارت، کنترول، تفتيش، كشف، تحقيق، و سبوتاز اقتصادي را به طور دقیق و علمی تعریف نموده و به حیث سند قانونی در طی مراحل آن اقدام نماید.
۲. اتخاذ تصاميم مبني بر ادغام رياست عمومی تفتيش وزارت مليه و کميته دولتی کنترول و بر پایه ايجاد «اداره کنترول و تفتيش» از جانب مجلس عالي وزرا و اخذ منظوري آن از مقامات ذيصلاح.
۳. کميسيونی مشكل از نمايندگان با صلاحيت کميته دولتی کنترول، وزارت پلان، وزارت مليه، اداره مرکزی کار و تأمینات اجتماعی، وزارت امنیت دولتی، وزارت امور داخله ايجاد گردد تا مسوده قانون کنترول و تفتيش را با رعایت تعیین و تشخيص وظایف و صلاحیت ها و طرز اجرات که تداخل وظيفوي را از میان بردارد، طرح ریزی نماید.

بالآخره قرار فیصله شماره (۳۲۹) مورخ ۱۳۶۷/۹/۱۲ شورای وزیران ریاست عمومی تفتیش وزارت مالیه و کمیته دولتی کنترول و تفتیش با هم مدفع و این اداره به نام "اداره کنترول و تفتیش" مسمی و به موقف اصلی خود برگشت.

در این وقت محترم محمد شریف «شریفی» فرزند پاینده محمد خان به حیث رئیس عمومی و محترم خلیل الله امین بعد ازینکه از تقرر خویش به حیث معاون امتناع ورزید. محترم محروم علی خان به حیث معاون اداره کنترول و تفتیش مقرر شد. آقای شریفی صرف به تقرر (۵۰) تن کارمندان تفتیش وزارت مالیه موافقه نمود و به تقرر (۷۰) تن دیگر موافقه نکرد. در این وقت آقای امین در جاپان به سر می برد، حین عودت توانست تا تمام اعضای تفتیش را به جز از چند تن که خود آنها خواهش تقرر را در وزارت مالیه داشتند به این اداره به حکم صدراعظم وقت، مقرنماید. و خودش به حیث رئیس عمومی عواید وزارت مالیه مقرر شد. در تعیینات که در اخیر سال (۱۳۶۷) صورت گرفت منجمله تمام کارمندان تفتیش وزارت مالیه صرف آقای حفیظ الله ناطق به حیث رئیس پلان مالی و تجارت و عبدالصبور به حیث معاون ریاست بخش قوای مسلح تعیین و متباقی همه به حیث مفتش مقرر شدند. برای سال (۱۳۶۸) تشکیل جدید وضع گردید. در این تشکیل دو معاون برای ریاست عمومی کنترول و تفتیش پیش بینی شده بود. محترم تاج الدین سیفی به حیث معاون دوم مقرر شد.

در فیصله شماره (۳۲۹) مورخ ۱۳۶۸/۹/۱۲ آمده بود که طرح قانون کنترول و تفتیش ترتیب و از مجرای قانونی آن نافذ گردد. طرح مذکور ترتیب گردید ولی این طرح ماه ها در وزارت عدليه بدون نتیجه ماند. امور تفتیش و کنترول بر طبق پلان های ربuar انجام می شد و گزارش آن عندالموقع به شورای وزیران ارایه می شد.

طرح قانون کنترول و تفییش

طرح قانون کنترول و تفییش به منظور تعیین مزهای دقیق بررسی ها در سطح حکومت، صلاحیت های قانونی اداره کنترول و تفییش و وظایف آن در نظر گرفته شده و تسوید گردید. جهت طی مراحل به استیتوت قانون گذاری ارسال شد. بعد از طی(۶) ماه وزارت عدله با بعضی تعدیلات به طرح متذکره موافقت نمود. و از آن طریق این مسوده به شورای ملی رژیم جمهوری دموکراتیک تقدیم گردید. مجلس سنای در پرسنیپ به تمام مواد آن ابراز نظر و جهت تصویب به ولسی جرگه تقدیم شد. در برج میزان سال (۱۳۶۹) محترم خلیل الله امین در بست خارج رتبه بحیث رئیس عمومی اداره کنترول و تفییش محترم محمد شریف شریفی بحیث رئیس عمومی اداره امور صدارت عظمی مقرر شدند. آقای امین توسط عبدالقیوم نورزی معاون صدراعظم به این اداره معززی شد. وی خلیل الله امین را کارمندی مبتکر و شخصیتی توانا خطاب نمود.

این اداره در حالی که به مثابه ارکان واحد و مستقل بررسی و کنترول عرض اندام نموده بود. آقای امین در اولین گام کاری خود، توانست که تمام کمیته های ناظاری خارنوالی را از تمام وزارت ها و مؤسسات دولتی اخراج و امور بررسی و تفییش را مختص به اداره کنترول و تفییش نماید. در مرحله دوم تشکیل جدید را مطابق به نیازمندی تنظیم نمود. سه ریاست عمدۀ جدید به نام های ریاست تفییش واحدهای بودجوی مرکزی، ریاست تفییش بودجوی محلی و شاروالیها، ریاست تفییش تصدیهای و مؤسسات را جز تشکیل این اداره نمود.

در این برھه زمانی آقای صدیقی در بست فوق رتبه بحیث معاون دوم اداره مقرر شد. چندی بعد این معاون بالمعاوضه بحیث معین وزارت اطلاعات و کلتور به جای محمد الله وطندوست و معین اطلاعات کلتور بحیث معاون دوم اداره کنترول و تفییش مقرر شدند. این دو معاون اصلا به مسائل تفییش بلدیت نداشتند. با تاسف در

این دوره عده ای از کارمندان، اداره را ترک نمودند. به منظور بهبود و انسجام بهتر کار اداره محترم عبدالحمید که قبلًاً رئیس تفتيش ادارات بودجوی مرکزی ايفا وظيفه می نمود به حیث معاون و عبدالصبور که قبلًاً آمر کميته تحليل بود، به حیث رئیس تفتيش ادارات بودجوی مرکزی و محترم محمد یوسف «جلال» به حیث رئیس تفتيش تصدیها و موسسات تعیین و مقرر شدند. روند اصلی کار کنترول و تفتيش بر طبق مقرره ریاست عمومی تفتيش و مقرره کميته دولتی کنترول بود. دو گزارش کاری به جلسه کابينه ارایه شد، موضوعاتی که ضمن بررسی جنبه جرمی آن ثبت می شد؛ گزارش آن به شخص صدراعظم ارایه و به حکم صدراعظم به لوى خارنوالی احاله می گردید.

باید مذکور شد که در این برهه زمانی مفاهیمی چون دیدگاه، ماموریت، استراتژی و پالیسی در اصولنامه، تعليماتنامه، مقرره و قانون اداره کنترول و تفتيش به ملاحظه نرسیده تا به توضیح آن پرداخته میشد.

اداره در این سالها از ماه عقرب ۱۳۵۷ در بلاک ۴۵ مکرویان اول و از قوس ۵۷ در تعمیر سپه سalar شاه محمود خان غازی و یک قسمت در تعمیر سابقه تفتيش در محوطه صدارت عظمی و در همين سال در تعمیر تحت تامين سردار احمد على خان واقع چهار راهی ملک اصغر و بعدا برای چند ماه در یک خانه کرانی واقع قلعه فتح الله خان موقعیت داشت.

سرانجام اوضاع سیاسی، نظامی و به صورت کل قدرت سیاسی دولتی با توجه به قدرت روز افزون مجاهدین رو به سقوط بود و موازی با فروپاشی نظام، اداره نیز به ضعف کاری و مسلکی مواجه گردید تا اینکه به تاریخ هشت ثور سال ۱۳۷۱ قدرت دولتی نظام جمهوری دموکراتیک افغانستان به مجاهدین انتقال یافت و رژیم داکتر نجیب الله سقوط کرد همزمان با آن شورای ملی نیز منحل گردیده و قانون کنترول و تفتيش به حالت تعليق قرار گرفت.

فصل چهارم

اداره کنترول و تفتيش در دوره

مجاهدين (دولت اسلامي) و امارت طالبان

از (۸ ثور ۱۳۷۱) تا (۲۰ عقرب ۱۳۸۰)

الف: اداره کنترول و تفتيش در دوره مجاهدين (دولت اسلامي)

در اوخر سال ۱۳۷۰ و آغاز سال ۱۳۷۱ بحران نظامي، سياسي، اقتصادي و اجتماعي در رژيم دموکراتيک به اثر مبارزات چهارده ساله مجاهدين و فشار جهاني عميق تر گردید و فروپاشي پي دربي ولايات، والسوالي ها و پايتخت سبب شد تا دوكتور نجيب الله رئيس جمهور وقت وادر به استعفا گردید و خلاي قدرت بوجود آمد. رژيم دموکراتيک بتاريخ ۸ ثور سال ۱۳۷۱ قدرت را رسمياً به زعامت پروفيسور صبغت الله مجددی انتقال داد و دولت اسلامي مجاهدين در سراسر افغانستان مستقر گردید. اندکي پس از آرامش نسبی کابل و ولايات کشور ميان تنظيم های مختلف جهادي و مليشه ها تقسيم گردید و حکومت مرکзи، حتا در کابل هم نتوانست اداره هماهنگ و يكداشت را تنظيم نماید. وابستگان اجانب از همان سپيده دم پیروزی، مجاهدين را به آشوب برده با پرتاب راکت امنیت شهریان کابل را مختل نمود، درهمچو يك وضعیت آقای خلیل الله امین رئيس اداره کنترول و تفتيش وطن را ترک نموده به پاکستان مهاجر شد. کارمندان اداره از ترس راکت پراگني حزب اسلامي آقای حكمتیار به دفتر نمی آمدند. حفاظت دارائي و تعمير اداره تحت قيموميت حزب اتحاد اسلامي به رهبری پروفيسور عبدالرب رسول سیاف قرار گرفت. و تمام اموال و اجناس اداره به یغما برده شد. بنابر مشکلات امنیتی اداره نتوانست کار مثبتی را انجام دهد. در آغاز سنبله سال(۱۳۷۱) آتش بس ميان دولت اسلامي و

حزب اسلامی حکمتیار برقرار شد. مطابق تقسیمات صدارت عظمی به حزب اسلامی تعلق گرفت و شخصی به نام استاد فرید منجانب حکمتیار به حیث صدراعظم معرفی شد. آقای حکمتیار به تاریخ(۲۰) سنبله سال(۱۳۷۱) رئیس اداره عمومی کنترول و تفییش محمد الیاس ذره را تعیین و مقرر نمود. استاد محمد الیاس ذره قبلاً رئیس، تعلیم و تربیه حزب اسلامی بود تحصیلات عالی ماستری در رشته الهیات داشت، شخص مودب بود با ممتاز سخن می گفت و در ضمن شاعر و ادیب هم بود به زبان های عربی و اردو تسلط کامل داشت. وی در بست های کمبود معاونیت اول و دوم اداره به ترتیب آقای غلام حضرت متواضع و آقای خواجه عالم ندیم و در بست ریاست تفییش داخلی انجنیر حبیب الله را که آمر ترانسپورت حزب اسلامی بود، مقرر نمود. بقیه هیات رهبری اداره تغییر و تبدیل نگردید، وی اعتماد کامل به کارکردهای رؤسا داشت. گروپ های تفییش را تنظیم کرد به وزارت ها و ادارات اعزام نمود گزارش از اجرات اداره به صدارت عظمی ارایه میداشت. تمام اجرات که صورت می گرفت به روش قبلی بود و کدام نوآوری و باز سازی در زمان تصدی موصوف در اداره صورت نگرفت.

در (۱۱) جدی سال(۱۳۷۲) گلبدين حکمتیار به همکاری جنرال دوستم، عبدالعالی مزاری و صبغت الله مجددی شورای هماهنگی را تشکیل و علیه دولت اسلامی بغاوت نمودند و کودتای نافرجام نظامی را در شهر کابل براه انداختند. از آنجائی که محمد الیاس ذره یکی از کادر های حزب اسلامی به شمار میرفت از این اتحاد ناخشنود گردید وظیفه را رها و مدتی عازم پاکستان گردید. مدت سه ماه این اداره رئیس نداشت. در حالیکه انداخت و پرتاب راکت منجانب حکمتیار بالای شهر کابل ادامه داشت قرار حکم شماره(۴۰۳) مورخ ۱۳۷۳/۲/۵ مقام ریاست جمهوری، حاجی سعدالدین را بحیث رئیس عمومی اداره کنترول و تفییش مقرر شد. او در سال های قبل کارمند وزارت مالیه و در دوره جهاد قوماندان غند سلمان فارس و از حزب اتحاد

اسلامی بود. او در حین مقرری به این اداره بیشتر از (۷۰) سال داشت و معاون خویش آقای محمد سعید زاهد را تعیین نمود زاهد قبلًا معلم مدرسه بود و بعداً به جهاد پیوست و مربوط به حزب اتحاد اسلامی بود. آقای زاهد همیشه کارمندان را دعوت و ارشاد می نمود کمتر به امور دفتر داری علاقه داشت. در مدت زمان که آقای حاجی سعد الدین رئیس اداره کنترول و تفتيش بود در تغيير و تبدیل کادر رهبری اداره اقدام نکرد، صرف در ریاست خدمات امور اجتماعی آقای سید عالم خان را به عوض عبدالخليل جلیلی که وفات نموده بود تعیین نمود. آقای سید عالم قبلًا کارمند وزارت تجارت بود و در دوره جهاد منسوب به حرکت اسلامی افغانستان بود. مراجع دولتی که درین دوره تحت بررسی و تفتيش قرار می گرفت همه در شهر کابل قرار داشت، یعنی تفتيش منوط به شهر کابل بود.

عمده ترین اجرالاتی که در سال (۱۳۷۳- ۱۳۷۴) صورت گرفت تصویب قانون کنترول و تفتيش بود. قانونی که قبلًا تسویید شده و به شورای ملی و مقام صدارت عظمی پیشکش شده بود. مقام صدارت عظمی به طرح این قانون به شرطی موافقه نمود که مواد آن مخالف شريعت اسلام نباشد. اين طرح مجددًا تحت ارزیابی هيات رهبری و چند تن از مفتشين قرار گرفت با حذف بعضی کلمات و مفاهيم به مقام صدارت عظمی ارایه شد. مقام صدارت عظمی، هيات دیگری که در رأس آن عبدالغفار صائم قرار داشت را مؤظف نمود تا در زمینه ابراز نظر نماید. بعد از ابراز نظر هيات مذکوره از طريق مقام صدارت به اداره حراست قانون، اداره امور ریاست دولت ارسال شد. رئیس دولت اسلامی افغانستان کمیسیونی مشتمل از محترم محمد موسی نهمت رئیس اداره حراست قانون، محمد ضیا نورخیل معاون لوی خارنوالی، محمد الیاس ذره رئیس شوراهای اداره امور، جنرال سید ظهور مشاور حقوقی وزارت امنیت دولتی، عتیق الله کارشناس اداره امور، حاجی سعد الدین رئیس اداره کنترول و تفتيش، محمدیوسف جلال رئیس تفتيش تصدیها و موسسات، عبدالصبور رئیس

تفتیش ادارات بودجوى مرکزى را مؤظف نمود تا مسوده این قانون را مجدداً ارزیابی و تعدیلات لازمه را در آن وارد و جهت توشیح آماده سازند. هیات طی چندین روز جلسه، قانون کنترول و تفتیش را آماده و طی فرمان تقنینی شماره (۱۳۵) مورخ ۱۹/۴/۱۳۷۴ در چهار فصل و (۲۹) ماده توشیح و بعد از نشر در جريده رسمي شماره (۷۸۰) مورخ ۱۵ اسد سال (۱۳۷۴) نافذ گردید.

در اوایل سال (۱۳۷۴) محمد الیاس ذره به وطن عودت و با حکمتیار مقاطعه و جانب دولت اسلامی را گرفت. دولت وقت او را بحیث رئیس اداره امور شوراهای اداره امور ریاست جمهوری مقرر نمود. آقای ذره به این مقرری خویش بسته نکرده و تقاضای تقرر خویش را در بست خارج رتبه بحیث رئیس عمومی اداره کنترول و تفتیش نمود. بالاخره محمد الیاس ذره از اثر حکم شماره ۲۳۹ مورخ ۷/۹/۱۳۷۴ ریاست دولت اسلامی افغانستان بار دوم بحیث رئیس عمومی اداره کنترول و تفتیش مقرر شد.

استاد ذره توسط انجنیر احمد شاه احمدزی که سپرست صدارت عظمی بود به کارمندان این اداره معرفی شد. او استاد ذره را مجاهد نستوه خطاب کرد و از کارمندان اداره تقاضا کرد تا با صمیمیت با استاد همکاری نمایند. بالاصله ذره شروع به کار نمود. او خواست توامیت را با دیوان محاسبات کشور ایران برقرار سازد، مذاکراتی را با سفارت ایران در کابل آغاز کرد و شارژدافير ایران را به دفتر خویش چندین مرتبه دعوت کرد، اما نسبت عدم ثبات سیاسی در کشور مذاکرات قطع شد. از قانون کنترول و تفتیش قبلی حمایت کرد و تمام مسایل اداره را با هیات رهبری مطرح می کرد. قبل از اعزام گروپ های تفتیش، مفتش را از اجرالات قبلی اداره آگاه و بعد از نصایح لازمه صلاحیت نامه های شان را تفویض میداشت. در هر ماه با گروپ های تفتیش نشست داشت و کارهای شان را ارزیابی می نمود. با وجود این که امنیت و ثبات در کشور حاکم نبود، اما کار های اداره روز به روز بهتر می شد.

در نتیجه تغییر وضعیت سیاسی، نظامی و پراکنده‌گی در صفوف مجاهدین، مداخلات کشور همسایه (پاکستان) فعالیتهای القاعده و بعضی از حلقات نامرئی خارجی، شهر کابل بتاریخ(۶) میزان سال (۱۳۷۵) ذریعه طالبان سقوط کرده و دولت اسلامی افغانستان به شمال کشور عقب نشینی نمود.

طی سالهای متتمادی ۹۵ فیصد کشور توسط طالبان و خارجیها اشغال گردید در ۵ فیصد باقی مانده جبهه متحد زیر قیادت قهرمان ملی کشور احمد شاه مسعود به مبارزه و مقاومت ادامه داده لوای مقاومت را تا خاموشی حیات و شهادت شان در سپتامبر ۲۰۰۱ به دست جانیان تاریخ بر افراشته نگهداشت.^۹

محمد الیاس ذره، رئیس اداره کنترول و تفتیش با سایر اعضای دولت به جانب ولایت بلخ تغییر وضع الجیش دادند.

ب: اداره کنترول و تفتیش در امارت اسلامی طالبان

(از ۷ میزان سال ۱۳۷۵ الی ۲۰ عقرب سال ۱۳۸۰)

بعد از اینکه طالبان در شهر کابل مستقر شدند؛ این اداره مدت (۸) ماه فاقد رئیس عمومی و معاون بود. اصلاً طالبان به ماهیت این اداره درست نمی‌فهمیدند. به جز از یک گروپ بازرسی در شاروالی کابل، دیگر کدام گروپ تفتیش در مراجع توظیف نداشتند. افواهاتی موجود بود که این اداره از طرف طالبان لغو می‌شود زیرا آنها فکر می‌کردند که تفتیش و کنترول جز خدمات اطلاعات دولتی است.

در ثور ۱۳۷۶ اشخاصی به نام مولوی گل محمد زاهد در بست خارج رتبه بحیث رئیس عمومی اداره کنترول و تفتیش معروفی شد. در ضمن مجلس تعارفی گفته شد که مولوی گل محمد قبلًاً معاون اداره دوم ریاست استخبارات طالبان بود. او یک خانم خارجی را که به نام بینتو نام داشت و مدافعان حقوق بشر بود به نسبت نداشتن برقع (چادری) که به سر نداشت مورد لت و کوب قرار داده بود؛ به پاس این خدمت

اش رهبری طالبان وی را در بست خارج رتبه بحیث رئیس اداره کنترول و تفییش مقرر نمودند.

هیات رهبری فوراً پلان کار بررسی ربع دوم سال(۱۳۷۶) را ترتیب نمودند، توطیفات گروپ های تفییش صورت گرفت، موصوف هدایت صادر نمود تا تمام مفتشین به اتاق اش بیایند، هیات رهبری خواست تا هر یک مفتشین را معرفی دارد ولی مانع شد گفت: من به هر کس که اشاره کردم خودش خود را معرفی نماید. حینی که یک مفتش خود را معرفی میکرد طرف اهانت وی قرار می گرفت. بعد از ختم این مجلس کارمندان این اداره که از پیش آمد این رئیس مایوس بودند، مایوس تر شدند. مولوی زاهد دیگر به اتاق کار نرفت و همیشه به اتاق شب باش خود مفتشین را به حضور می پذیرفت او بر علاوه اینکه فهم و دانش کم داشت تربیه اخلاقی او هم بود، روش زشت، پوچ زبان و دشنام دادن کارش بود. فقط یک امضا را میدانست که در اخیر مکاتیب ترسیم می نمود. موقعی که صحبت می نمود بالای (توشک) دراز می کشید و دو نفر هر یک غلام سخی «عاجل» و ملا عبدالکریم، پاها و دست هایش را مساز (چاپی) می دادند. وظیفه رئیس استاد و ارتباط محترم عبدالسمیع در این دوره سیاه، آشپزی و تهیه نان سه وقته رئیس عمومی بود. وی حینی که پیاز و کچالو را پوست میکرد اشک از چشمان اش جاری میشد و میگفت که پیاز دود دارد، ولی در حقیقت او می گریست!!!

قبل برین شیشه های تمام اتاقهای اداره کنترول و تفییش شکسته و از بین رفته بود او از رئیس وزرا وقت هدایت حاصل نمود تا مبلغ پنجاه لک افغانی برایش تادیه گردد تا به کلکین های اداره کنترول و تفییش که شیشه شکسته داشت، شیشه بیاندازد. او شخصی را توظیف نمود تا پول را از اداره امور آورده و برایش تسلیم نماید تا آنرا حیف و میل نماید، اما خوشبختانه رئیس مدت چند روز در اداره نبود شخص مذکور در غیاب رئیس عمومی، تمام اداره را شیشه اندازی نمود. گرچه رئیس بعده

قهرا شد ولی کار انجام شده بود. بعداً ثبیت گردید که گل محمد زاهد، نه ملا بود نه مولوی بلکه او یک چوپان بود که در کوهستانات شمال کشور گوسفند چرانی می‌کرد. دو نفر یاران او هم یکی غلام سخی عاجل اصلاً در ریاست کانال ننگرهار دریور بودند او بر علاوه اینکه درین اداره مقتضی مقرر شد در یکی از مساجد به حیث امام نیز موظف شد. یار دیگرش ملا عبدالکریم که ملا هم نبود و سواد هم نداشت و در دشت ارجی ولایت کندز وظیفه دهقانی داشت. مولوی سلیمان که معاون اداره امور بود پسر خاله خود محمد سعید را که قبلًاً مأمور دفتر داری محاسبه صدارت عظمی بود در بست مافوق رتبه به حیث معاون اداره کنترول و تفتیش مقرر کرد.

بر اساس مکتوب شماره (۱۰۳۱) مورخ ۲۶ / ۹ / ۱۳۷۶ عنوانی این اداره به امضا مولوی محمد کبیر حسب لزوم دید مولوی محمد خان به حیث رئیس عمومی اداره کنترول و تفتیش مقرر شد. گل محمد زاهد از اینکه بر طرف شده بود تمام اجناس و لوازم شب باش را با خود بردا. در اخیر دوره ریاست موصوف یک عدد کارمندان اداره را تحت نام نا مطلوب اخراج نمود، که میتوان از محترم محمد یوسف جلال، محمد مبین نورزاد و عبدالقدوس مایل و غیره... نامبرد. مولوی محمد خان توسط محترم الحاج قاضی عبدالله اخندزاده معاون آن وقت اداره امور در بخش مالی و پلان، به کارمندان اداره کنترول و تفتیش منحیث استاد و عالم جید معرفی شد.

مولوی محمد خان از ناقلين ولايت پكتيا در ولايت بغلان بود. موصوف داراي چشمان کشیده و ابرو هاي سياه وتند بود. او طبيعت دوگانه داشت در يك لحظه به دو چهره متضاد خشن و عصبي و همزمان با چهره عاطفي ظاهر مي شد. خلق سريع الانتقال داشت، صريح حرف مي زد. در مدت شش ماه اول مقرري خود، كدر رهبري اداره را تعغير نداد. اما بعداً عبدالصبور رئيس تفتیش ادارات بودجوي مرکزي را بر طرف و به عوض اش محترم سيد عالم که مکتوب از حزب حرکت اسلامی مولوی محمد نبی آورده و طالب معرفی شده بود مقرر گردید. به عوض محترم محمد یوسف

«جالل» که قبلاً به نام نامطلوب ازین اداره اخراج شده بود، مولوی میرکلام مقرر شد. بست های اول اداره امتیازی مبلغ (۱۵) لک افغانی داشت. بدترین و سیاه ترین روزهای تفتيش که از قبل شروع شده بود به اوج خود رسیده بود.

دوره طالبان ضعیف ترین، روز های تفتيش بشمار رفته و در راس گروپ های تفتيش افراد ناگاه و غيرمسلمکی توظيف شده بودند گزارشات مفتشين فاقد محتوا بود. اين اداره جز تشکيل رياست عمومي اداره امور و بست آن از خارج رتبه به مافق و معاونيت اداره به بست فوق تنزييل داده شد. بناء اداره کنترول و تفتيش ضعیف، ناتوان، بي کفايت و معیوب که مفتشين آنرا در مراجع دولتی به رسميت نمی شناختند تبدیل گردید. خلاصه اين اداره سير قهرائي خويش را پيمود.

باید متذکر شد که درین دوره قانون کنترول و تفتيش با استفاده از قانون کنترول و تفتيش دولت اسلامی در ۴ فصل و ۲۷ ماده و مقرره اداره کنترول و تفتيش در ۶ فصل و ۲۶ ماده نافذ گردید.

بالاخره بعد از گسترش روز افزون مقاومت ملي مردم افغانستان در مقابل طالبان و همزمان با حوادث ۹ سپتامبر مطابق به ۱۸ سنبله ۱۳۸۰ که سبب شهادت قهرمانان ملي و سردار مقاومت ملي کشور شهید احمد شاه "مسعود" بوسيله ترورئيستان القاعده و حادثه ۱۱ سپتامبر که مرکز بانک جهانی در نيويارك و مقر پنتاگون (وزارت دفاع) امريكا مورد حملات القاعده قرار گرفت، رهبری ايالات متحده امريكا، مت硏دين آن مطابق فيصله شورای امنيت سازمان ملل متحده در همکاري با جبهه متحده ملي موضوع سقوط طالبان را در اولويت قرار دادند. در نتيجه حملات زميني و هوائي در ۲۰ عقرب سال ۱۳۸۰ طالبان، القاعده و حاميان منطقوى آنها با فشار نظامى كوبide شده سقوط نمودند.

فصل پنجم

اداره کنترول تفتيش در زمان

اداره موقت، دولت انتقالی و انتخابی

از (۶ جدی ۱۳۸۰) تا اکنون

بعد از اینکه رژیم طالبان در ۲۰ عقرب سال ۱۳۸۰ در اثر مقاومت ملی مردم افغانستان، جبهه متحد ملی شمال و با همکاری جامعه جهانی ساقط گردید، بخاطر ایجاد اداره موقت با مشارکت سران اقوام، جربانات تنظیمی، شخصیتهای متنفذ کشور با وساطت سازمان ملل متحد و دوستان بین المللی کنفرانس دوران ساز بن تدویر و در نتیجه توافقات کنفرانس، اداره موقت با ریاست رئیس جمهور محترم حامد کرزی تشکیل گردیده و بعداً دولت انتقالی و انتخابی بوجود آمد.

در شروع تاسیس اداره موقت جهت تنظیم و تامین دسپلین شعبات و کارمندان اداره، محترم محمد موسی نهمت به صفت سرپرست معاونیت اداره امور تعیین گردید. آقای نهمت روی شناخت شخصی در اداره امور تعیینات نمود که بالا اثر آن محترم حیات الله یعقوبی که مفتش سابقه دار بود، به حیث سرپرست اداره کنترول و تفتيش توظیف گردید. از توظیف محترم یعقوبی چند روز نگذشته بود که به اساس حکم شماره (۱۴۶) مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۸ ریاست دولت، محترم خدایداد یفتلی بهیث رئیس عمومی کنترول و تفتيش مقرر شد. آقای یفتلی سالهای قبل به حیث رئیس تفتيش وزارت تعلیم و تربیه ایفای وظیفه و از وزارت معارف تقاعد اخذ نموده بود. یفتلی در جمع مفتشین سخنرانی نموده و به زعم خود توصیه نمود که در حین تفتيش از مراعات استفاده نمایند. این سخنرانی رئیس عمومی مورد اعتراض مفتشین اداره قرار گرفت. از محتوای صحبت شان معلوم میشد که او هم به امور تفتيش و بررسی

معلومات کافی ندارد. شاید مفتیش خوبی در بخش تعلیم و تربیه بود اما نسبت نداشتن دانش و مهارت مسلکی که امور مالی، حسابی و اقتصادی مملکت را سمت دهی نماید موفقیت نداشت او در تشکیل اداره کنترول و تفتيش یک سلسله مقرری ها نمود که به اساس آن:

۱. عبدالسمیع بحیث رئیس تحریرات.
۲. محمد یوسف جلال رئیس تفتيش امور اجتماعی.
۳. غازی محمد رئیس تفتيش تصدیهها و مؤسسات.
۴. عبدالصبور رئیس تفتيش ولایات و شاروالیها.
۵. گل محمد رئیس تفتيش ادارات بودجوى مرکزى.
۶. عبدالسمیع رفاعی رئیس تفتيش داخلی و بورد فنی.

برای آقای یفتلی بسیار مشکل بود که بتواند مصایب زمان طالبان را از بین ببرد زیرا او کدام بدیل کاری و مسلکی نداشت که جانشین آن سازد او در مدت زمان(۴) ماه که رئیس اداره کنترول و تفتيش بود در بازسازی اداره کنترول و تفتيش سهیم نشد و خصوصیت کاری وی محافظه کارانه بود. آقای یفتلی از ریاست عمومی اداره کنترول و تفتيش سبکدوش شد و در عوض آن محترم محمد شریف شریفی فرزند محمد یوسف در بست مأفوّق رتبه بحیث رئیس اداره کنترول و تفتيش ریاست عمومی اداره امور با حفظ حقوق کدر علمی شان به حکم شماره (۵۶۳) مورخ ۱۳۸۱/۲/۱ رئیس اداره مؤقت تقرر ایشان صادر گردید.

شریفی در این وقت رتبه علمی اش پوهنیار بوده و بحیث استاد در پوهنتون تعلیم و تربیه مصروف تدریس بود. تحصیلات عالی ماستری در رشته ریاضی و فزیک داشته در سال ۱۳۸۹ دوکتورای خویش را در رشته آموزش و پرورش اخذ نمود. وی در دوران جهاد بحیث رئیس تعلیم و تربیه زون مرکز و در دوران دولت اسلامی

سمت ریاست اطلاعات و فرهنگ و سرپرستی ولایت پروان را الی اشغال کابل به دست طالبان به عهده داشت.

دراین زمان اداره کنترول و تفتيش يك معاون مالي و اداري به نام الحاج قاضى عبدالله آخند زاده که تحصيلات عالي خويش را به سويه لسانس از جامعه الاسلاميه مدینه منوره کشور عربستان سعودي در رشته حقوق و قضا به دست آورده، موصوف درسال ۱۳۷۲ به حیث مدير مسؤول مجله جامعه الاسلاميه ارگان نشراتی حج و اوقاف تعیین گردیده و يك سال بعد از آن وزارت تبدیل، به حیث معاون اداري صدارت عظمى مقرر گردید. همچنان الحاج آخند زاده در بست هاي رئيس کادر و پرسونل و ریاست پلان مالي و اداري اداره امور ايفاي وظيفه نموده و با ايجاد دولت انتقالی به ریاست محترم حامد کرزی به حیث معاون مالي و اداري اداره کنترول و تفتيش تعیین گردیده که تاکنون مشغول خدمت گذاري می باشد.

باید گفت شریفی که توسط رئیس و سایر مقامات اداره محترم امور طی محفلی به اعضا و منسوبین اداره کنترول و تفتيش معرفی گردید. در نخستین سخنرانی اش به منسوبین اداره گفت: "از اعتماد مقام محترم ریاست جمهوری ابراز سپاس می کنم من سابقه ای در امور بازرگانی ندارم، با کمک خداوند و همکاری شما عزیزان تلاش خواهیم کرد تا اداره را دوباره به جایگاه واقعی اش قرار دهم، بخاطر ارتقا سطح دانش مسلکی مفتشين در تدوير کورس و سمينارها اهتمام به خرج خواهم داد. تجهيز اداره، رفع مشکلات ترانسپورتی، ازدياد حقوق ماهوار، ترتيب لايجه کدری، استقلاليت اداره، تامين روابط با نهادهای خارجي همانند و تدارک جای جهت اعمار تعمير، داشتن نشریه و معیاري ساختن مفتشين از لحاظ کمي و كيفي از جمله وظایف اساسی بنده خواهد بود. دراین راستا همکاری همه جانبه شما را آرزو دارم.

شریفی اداره را به ارث گرفت که فاقد وسائل ترانسپورتی و تجهيزات دفتری بود. حتی دفتر رئیس اداره فاقد میز و چوکی ضروري بود. يك عراده موثر به دسترس

رئيس اداره نبود، وی با موتر شخصی خود به اداره رفت و آمد می کرد. در نخستین روزها وی نسبت مقرری شان در این پست کاملاً مایوس بود. اما پس از گذشت چندین روز تصمیم گرفت تا اداره را از سطح صفری از لحاظ شکل و محتوا تغییر دهد.

در نخستین گام استقلالیت اداره را به اساس حکم شماره (۱۶۵) مورخ ۱۳۸۱/۹/۹ محترم رئيس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، اداره کنترول و تفتيش از اداره امور مجزا و منحیث یک اداره مستقل تحت اثر مستقیم رئيس جمهوری اسلامی افغانستان در بست خارج رتبه به فعالیت آغاز نمود.

به مفتشین اداره کنترول و تفتيش به خاطر تشویق و بی نیاز بودن ايشان از تاثيرات منفی در جريان بازرسي ها پنج الی هفت چند معاش منسوبين اداره را بالا برد. اين ابتکار در تاريخ خدمات ملكی کشور کاملاً بی سابقه بوده و در کالبد خشکيده منسوبين اداره، نفس تازه دمید. مقر اين اداره در اين وقت در جوار کتابخانه عامه، واقع چهار راهی ملک اصغر در تعمير یک منزله تحت تامين قرار داشت، با خريداري مobel و فرنیچر، دیكور و موتركولا که با عقد نخستین قرارداد با کمپني PKF انگلستان که بخاطر کمک تخنيکي به اداره عقد گردیده بود، اداره درمسير انکشاف و توسعه قرار گرفت. کورس هاي زبان انگليسى، کامپيوتر، مسلکي تفتيش در بخش هاي مختلف تدوير یافت، نخستین گزارش توحيدی از نتایج بازرسي ها به شورای وزيران ارایه گردید، توزيع صلاحیت نامه و توظیفات در این مرحله طی محفلي در هر ربع صورت ميگرفت. در بسا موارد ده تا بيست يوم را در برمى گرفت تا منظوري مقام محترم رياست جمهوری مواصلت ورزد با توجه عدم موافقيت اين ميتوود و ترتيب پلان بازرسي از ربع وار به سالانه تعبيرنمود و توظيفات مفتشين طبق پلان و بدون تاخير صورت مي گرفت. در اين وقت بخاطر تحليل گزارشات رياست ها، رياستي به نام تحليل که در راس آن آقای شمس رحيم قرارداشت. تحليل

گزارش ها یک الی سه سال را در برمی گرفت تا به مرجع بازرگانی شده، ارسال گردد به این شیوه پایان داده شد ریاست تحلیل حذف و به عوض آن آمریت های تحلیل در هر ریاست سکتوری در تشکیل علاوه گردید و نتایج گزارش های هر ربع در جریان ربع بعدی محتوا و شکل کاملاً جدید به مراجع بازرگانی شده ارسال گردید. ریاست امور اجتماعی که آقای یوسف جلال در راس آن بود نیز از تشکیل حذف و ریاست تحریرات به ریاست دفتر تغییر نام داد.

به عوض ریاست حذف شده تحلیل، ریاست پلان که در راس آن محمد سرور هاشمی قرارداشت ایجاد گردید. و حسب تشکیل عمومی ریاست تفییض داخلی جهت تنظیم و امور بازرگانی تفییض های داخلی وزارت خانه ها، جدیداً ایجاد و در راس آن سید امین خان که ایشان نیز از جمله مفتشین وزیریه اداره بود قرارگرفت. غازی محمد که در رشته رادیو مسلکی بود از گذشته به حیث رئیس ریاست تصدی ایفا وظیفه می نمود، از وظیفه نسبت بی کفایتی برطرف و عوض آن تعیین یوسفزی به حیث رئیس مقرر گردید و تا زمان تقاعدهش در این پست کارنمود.

اداره کنترول و تفییض با توجه به مفهوم مشارکت ملی، تلاش نمود تا این شعار را عملاً در اداره تحقق بخشد. لذا یکی از مفتشین به نام موسوی که از جمله برادران تشیع بود و در بخش اقتصاد تحصیلات ماستری از شوروی داشت در پهلوی محترم عبدالله آخند زاده به حیث معاون تعیین و منظوری آنرا از مقام محترم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۲ اخذ نمود و تا زمان وفاتش در اداره ایفا وظیفه نمود.

باید تذکر داد که محترم سید محمد مهدی "حسینی" که دارای مدرک لسانس در رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه فردوسی کشور ایران و فوق لسانس در رشته مدیریت و امور مالی از کشور مالیزیا داشته و قبل از بحیث آمر اپراتیفی ریاست عمومی تفییض وزارت مالیه، معاون مالی و اداری پوهنتون خاتم النبیین(ص) معاون سازمان متخصصان توسعه افغانستان و رئیس عمومی بررسی و ارزیابی وزارت انرژی

و آب ایفای وظیفه نموده است. وی بتاریخ ۱۸ دلو سال ۱۳۸۸ به اساس حکم مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان بحیث معاون عملیاتی اداره تقرر حاصل نمود. با توجه به کمک های جامعه جهانی ریاست دیگر زیر نام ریاست NJOS و بعداً به نام ریاست مساعدت ها، بخاطر بازرگانی کمک هائی که توسط جامعه جهانی از طریق وزارت مالیه صورت می گرفت، ایجاد گردید و رئیس آن گل محمد خان که قبلاً رئیس ریاست ادارات بودجوی مرکزی بود، تعیین گردید.

گسترش مناسبات و روابط خارجی اداره به سرعت چه در سازمانهای عالی تفتیش جهانی نظیر "انتوسای"، "اسوسای"، "ایکوسای" و با کشورهای مختلف توسعه یافت. مقامات اداره در اکثریت محافل و نشست ها، همایش های این مراجع حضور به هم رساندند که امروزه اداره عالی تفتیش افغانستان به مثابه عالی ترین نهاد بازرگانی، جایگاه خود را در پهلوی سایر ادارات مماثل پیدا نموده است.

ریاست فنی که قبلاً عبدالسمیع رفاعی رئیس آن بود. او با استفاده از یک سفر مطالعاتی به لندن وطن را ترک گفته دوباره به اداره برنگشت، لذا مسئولیت به شخص دیگری به نام انجینیر شرین آقا عفت که لیسانسه انجینیری کابل و شخص فعل بود، سپرده شد و امور آن اندکی مسلکی ترگردید. وی به جای دیگری تبدیل و بعداً از طریق رقابت آزاد انجینیر عبدالرازاق رامکی به حیث رئیس ریاست ساختمانی مقرر گردید. اما به اساس ضعف مدیریت و بی کفایتی از وظیفه کنار زده شد.

ریاست تفتیش ولایات و شاروالی ها که عبدالصبور ناصری رئیس آن بود و تا هنگام تقاعدهش در این پست باقی ماند، دستخوش تغییری نشد.

پس از اینکه موقعیت تحت تامین اداره به فروش رسید. اداره ناگزیر مدتی در قلعه فتح الله خان در تعمیر کرائی به سر می برد تا اینکه دوباره به تعمیر سابقه وزارت احیا و انکشاف دهات برگشت به طبقه چهارم و پنجم آن در محلی کوچک امور خویش را به پیش میبرد.

معرفی اداره کنترول و تفتيش:

اداره کنترول و تفتيش به مثابه عاليترین ارگان بازرسي(SAI) يعني (Supreme Audit Institution) امورمالی و حسابي وزارت ها، ادارات و موسسات در سطح کشوربوده، از سال ۱۳۲۱ حدود (۵۹) سال سابقه فعالیت داشته، عضويت سازمانهای بین المللی ادارات عالي تفتيش(انتوساي)، ايکو ساي و اسوسي) را دارا ميپاشد. بر اساس فرمان (۱۶۵) مورخ ۱۳۸۱/۹/۹ محترم رئيس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به حیث يك اداره مستقل بازرسي امور مالی و حسابي ادارات ايجاد و قرارحکم (۵۴۹) مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۰ محترم رئيس دولت از آغاز سال ۱۳۸۳ به حیث يك واحد بودجوي مستقل عرض اندام و مربوط قوای سه گانه نبوده، تحت اثر مستقيم مقام محترم رياست جمهوري فعالیت می نماید.

باید خاطر نشان ساخت که سه سال قبل در تفاهم با محترم پوهاند عبدالسلام عظيمی رئيس سترة محکمه جمهوری اسلامی افغانستان موضوع بازرسي رياست های محکم شامل پلان بازرسي اداره کنترول و تفتيش گردیده بود، اما بعد از چندی جريان بازرسي متوقف شد. بنابر تقاضاي آن اداره محترم بازرسي رياست های محکم دوباره شامل پلان بازرسي اداره گردید، بناءً گفته ميتوانيم نقش اداره کنترول و تفتيش در قوای سه گانه دولت، هریک مقتنه، اجرائيه و قضائيه وجود دارد.

همچنان باید علاوه نمود که اداره کنترول و تفتيش در اجرای وظایف محوله با معاونين اول و دوم رياست جمهوري نيز روابط کاري را تامين نموده است.

استراتيژي اداره

پلان انکشافی راهبردي (استراتيژيک) اداره کنترول و تفتيش طی سال های

دیدگاه

"کسب اعتبار و مسلکی بودن مانند سایر نهادهای عالی تفتيش در جهان".

ماموریت

اداره کنترول و تفتيش نهاد عالی تفتيش جمهوری اسلامی افغانستان است که هدف آن ارایه اطمینان به ریاست جمهوری، پارلمان و جامعه جهانی مطابق به معیارهای بین المللی تفتيش می باشد تا وجوده عامه مطابق به اهداف پلان شده به مصرف رسیده و همچنین عواید تحقق یافته جمع آوری شده و به طور منظم در اسناد مالی ثبت شده و گزارش دهی در رابطه به اقتصادیت، مفیدیت و مؤثریت عملکردهای دولت از عمدۀ ترین فعالیتهای این اداره است.

هدف اول:

بازشناسی نقش اداره کنترول و تفتيش به نهادهای همکار داخلی و خارجی به اساس توقعات اين نهادها.

هدف دوم:

افزایش مؤثر ظرفیت مسلکی کارمندان اداره کنترول و تفتيش.

هدف سوم:

حمایت از تلاش‌های دولت در انکشاف و جاگزین نمودن سیستم های مدرن.

هدف چهارم:

ترتیب و تنظیم فعالیتهای اداره کنترول و تفتيش به شیوه‌ای که اقتصادیت، مفیدیت و مؤثریت عملکردها را تامین نموده و محیط کاری تشویقی را توسعه بخشد.

- ۱.۱ گزارش دهی پیرامون نتایج فعالیتها به ریاست جمهوری و پارلمان
- ۱.۲ انکشاف و توسعه عالی روابط با تمام سطوح دولت، اداره، جامعه بین المللی و مردم افغانستان.
- ۱.۳ تصویب قانون تفتیش که استقلالیت، ظرفیت و تاثیر تفتیش را افزایش خواهد بخشید.
- ۲.۱ ارتقای مهارت‌های مسلکی از طریق انکشاف و توسعه یک میتدولوژی سالم تفتیش.
- ۲.۲ ترتیب و ارایه نمودن پروژه‌های انکشافی به شمول آموزش کارمندان در سطوح مختلف.
- ۲.۳ تسهیل نشر و عملی کردن رهنمودهای مسلکی با همکاری نهادهای مسلکی خارجی.
- ۲.۴ اجرای برنامه‌های پیگیری به منظور تأمین انکشاف دائمی کارمندان.
- ۳.۱ آگاه نمودن دولت از انحرافات جدی و موضوعات مهم، در وقت معین.
- ۳.۲ ارایه مشوره‌های مسلکی به مراجعین در رابطه با پیشرفت‌ها در سیستم‌های کنترول داخلی مالی آنها.
- ۳.۳ کمک در ایجاد سیستم سالم مدیریت مالی به شمول اصلاحات حسابداری.
- ۳.۴ حمایت دولت در مبارزه علیه تقلب و فساد.
- ۴.۱ ایجاد یک نهاد متحده تفتیش از طریق ساختار اداری و فرهنگ تجدید نظر شده.
- ۴.۲ تأمین حمایت مؤثر اداری برای اجرای کارها.
- ۴.۳ نظارت دقیق فعالیتها به منظور حصول اطمینان از اینکه آنها همیشه موازی با عالیترین استندردها فعالیت می‌کنند.
- ۴.۴ ایجاد سیستمی که به کارخوب ارج گذاشته شود.

پاليسى اداره:

عبارة از تعیین نمودن هدف و مسؤولیت های اداره کنترول و تفتيش و ایجاد اصول و چارچوبی که آنرا کنترول نماید می باشد. اين پاليسى اطمینان كيفيت و شرایط قانونی را برای صلاحیت بازرگانی که توسط اداره کنترول و تفتيش انجام يافته ایجاد نموده و پذيرش معیارات تفتيش و تطبیق پلان انکشافی استراتيژيك (راهبردی) را تسهيل خواهد بخشید. سودمندی پاليسى عبارت از نیروی کاری وسیع اداره کنترول و تفتيش خواهد بود که اعتبار گزارشهاي تفتيش را به تمام اعضای شورای ملي و سایر شركات بالا خواهد برد.

هدف پاليسى برای تفتيش از ديدگاه اداره کنترول و تفتيش منشأ می گيرد. پاليسى باید مانند یک چراغ روشن بمنظور هدایت و راهنمایي عملکردهای اداره کنترول و تفتيش و همچنان برای تمام کسانیکه علاقمند رسیدن به مقصد انکشاف سراسری کشور با ایجاد شفافیت، مؤثربیت و حسابدهی در دولت می باشد عمل نماید. مجموع طرفین ذیعلاقه شامل قوای مقننه، اجرائیه، جامعه بین المللی و جامعه مدنی می باشد.

مفتش اداره کنترول و تفتيش مکلف به اجرای بازرگانی ها و تامین اطمینان در عملیات دولت و فعالیت های مدیریتی میباشد. با اجرای یک شیوه سیستماتیک و منضبط بمنظور ارزیابی و بهبود مؤثربیت مدیریت خطر، سیستم های کنترولی، اندازه گیری اجراءات و روند نظارت، مفتش اداره کنترول و تفتيش را در رسیدن به اهداف و مقاصد کمک مینماید.

بازرسی ها ممکن شامل تفتيش های مالی، عملکرد، محیطی و رعایت قانون و مقررات باشد.

نقش مفتش عبارت از کمک رساندن به مدیریت اداره کنترول و تفتيش در اجرای مؤثر مسؤولیت های اداری و اطمینان بخش آنها می باشد. اين موضوع

بوسیله فراهم نمودن اطلاعات، تجزیه و تحلیل، ارزیابی ها، مشورت و سفارش ها در رابطه به فعالیت های بازرگانی شده، بوسیله بهبود بخشنیدن سیستم های کنترولی مؤثر برای ثبت و گزارش دهی فعالیت های عملیاتی بشمول حفظ دارایی ها می باشد.

اهداف بزرگ پالیسی قرارذیل اند:

- حمایت از نظارت پارلمانی روی امور مالی عامه.
- تامین اطمینان پیرامون معاملات و عملیات دولت.
- کمک به مدیریت درمورد موضوعات مالی و حسابداری.
- اطمینان دادن به دونرهای بین المللی راجع به استفاده از پول شان.

اهداف اداره کنترول و تفتيش در مرحله جدید:

حصول اطمینان از شفافیت در حسابدهی، حسابگیری و حراست از دارایی های عامه از طریق اجرای تفتيش و کنترول در وزارت ها، ادارات، موسسات و سایر نهادهای که از بودجه دولت مستفید می شوند.

وظایف و مسؤولیت ها

۱. بازرگانی صورت های حساب مالی و حساب قطعیه سالیانه دولت و ارایه اظهار نظر تفتيش در مورد آن
۲. بازرگانی امور مالی و حسابی بخصوص تحقق عواید و مصارف در ادارات، تصدیها و موسسات.
۳. اجرای بازرگانی های خاص در مراجع بر اساس احکام و هدایات مقام محترم ریاست جمهوری.
۴. بازرگانی و ارایه اظهار نظر تفتيش در مورد صورتهای مالی مساعدت های خارجی که از طریق بودجه دولت به مصرف میرسد.

۵. بازرسی امور مالی و حسابی نمایندگی نهادهای دولتی در خارج.
 ۶. بازرسی اجرات تفتيش داخلی وزارت ها و ادارات دولتی.
 ۷. اجرای تفتيش عملکرد بخاطر حصول اطمینان از اقتصادیت، مفیدیت و موثریت پروژه ها.
 ۸. ترویج و توسعه تفتيش محیطی.
 ۹. تشخيص نواقص، کاستی ها، تفاوتهاي پولی در جريان بازرسی ها و ارسال نتایج تحليلي آن جهت تطبيق و بهبود اجرات به ادارات و موسسات ذيربط.
 ۱۰. ارایه نظریات اصلاحی و رهنمودی جهت رفع نارسائی ها به ادارات و موسسات.
 ۱۱. تشخيص موارد حیف و میل دارائی عامه در جريان بازرسی و احالة آن جهت تحقیق به لوى حارنوالی.
 ۱۲. ارایه گزارش های توحیدی شش ماهه در مورد نتایج مهم دریافت شده از بازرسی های امور مالی و حسابی در ادارات تفتيش شده به مقام محترم ریاست جمهوری و پارلمان.
 ۱۳. ارتقای متداوم ظرفیت اداره.
 ۱۴. تهییه چوکات قانونی برای تنظیم فعالیت های اداره.
 ۱۵. توسعه حدود بازرسی های اداره.
 ۱۶. توسعه و استحکام روابط بين المللی اداره و پیروی از معیارات سازمان بين المللی ادارات عالي تفتيش INTOSAI.
 ۱۷. رهنمائی میتدیک ادارات تفتيش داخلی.
 ۱۸. ارایه پیشنهاد به منظور تعديل بخش مالی و حسابی، طرزالعمل ها و لوایح مراجع تحت بازرسی به مقامات ذیصلاح.
- میتدود لوزی تفتيش:**

اداره کنترول و تفتيش در دوره جديد بمنظور معياري شدن تفتيش و با استفاده از معيارات تفتيش بين المللی "انتوسای" کارهای مشخص و معينی را انجام داده است و در جنب سایر انکشافات کاري و مسلکي اداره، ميتودهای جديد و معياري به حيت عناصر مثبت کاري مورد استفاده قرارمي گيرد و در پرتو طرزالعمل ها، رهنمودها، پلان گذاري هاي دقیق مفتшин به اجرای تفتيش در مراجع پرداخته و در نتيجه تطبیق ميتودهای جديد و معياري مفتشن گزارشهاي با کيفيت و با محتوا را به اداره تقديم می کنند و بعدا سفارشهاي رهنمودی از سوی رياست هاي مربوطه اداره کنترول و تفتيش مورد پيگيري قرارمي گيرد.

میعاد بازرسي ها:

پلان میعاد بازرسي مراجع به اساس درجه خطر و بودجه صورت می گيرد:

- ۱- يك ماه و يك و نيم ماه.
- ۲- دوماه.
- ۳- سه ماه.

همچنان پلان میعاد بازرسي ولايات به اساس درجه ولايات بعمل می آيد يعني:

- ۱- ولايات درجه اول.
- ۲- ولايات درجه دوم.
- ۳- ولايات درجه سوم.

و باید متنذکر شد که میعاد بازرسي ولايات اکثراً سه ماه می باشد.

گزارش دهی و انواع آن:

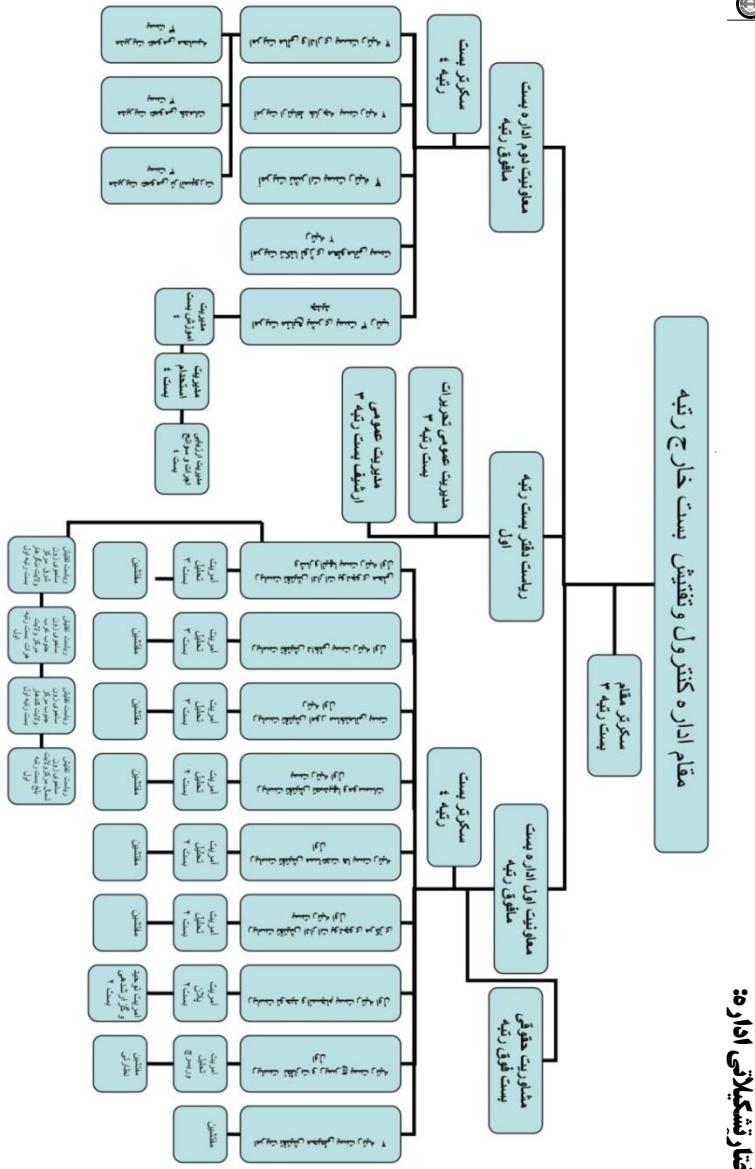
مفتшин اداره کنترول و تفتيش سه نوع گزارش را درختم کارشان به رياست هاي مربوطه شان ارائه مى نمایند:

- ۱- گزارش پلانی.
- ۲- گزارش حكمی و خاص که به اساس حكم رئيس جمهور صورت مى گيرد.
- ۳- گزارش تفتيش محيطی.

باید گفت که اداره کنترول و تفتيش دو نوع گزارش را به رئيس دولت و پارلمان و سایر نهاد های ذيربط به طور گزارش شش ماه اول و شش ماه دوم ارائه مى نماید.

پخش و نشر گزارش ها:

گزارشات مسلکی تفتيش از طريق ويب سايت اداره به حيث تامين ارتباط همه گانی به منظور انتقال و رسانش اطلاعات برای مخاطبين انعکاس ميابد. همچنان گزارشهاي کاري و مسلکي اداره کنترول و تفتيش پيوسته در فصلنامه تفتيش به حيث رسانه چاپی به منظور آگاهي، انعکاس ميابد.



ریاست مالی و اداری، آمریت منابع بشری به ریاست منابع بشری ارتقا یافته و
ریاست های ولایات و عواید جدیدا ایجاد گردیده است.

هکذا در زون های ولایات بلخ، ننگرهار، هرات و قندھار نیز ایجاد گردیده است.

مناسبات خارجی:

در طی این مدت روابط بین المللی اداره با سازمان ها و ادارات عالی تفتيش از جمله انتوسای، اسوسای، ایکوسای و ادارات عالی تفتيش، کشورهای بنگله دیش، هندوستان، آندونیزیا، زیلاند جدید، انگلستان، اداره تفتيش امریکا، پاکستان، مصر، مکسیکو، ایران، ترکیه، روسیه، سریلانکا، لتوانی، بلغاریا، تایلند، مالیزیا، چین، سویدن، کانادا، کوریا، برزیل و چابان توسعه یافته است و همچنان با بانک جهانی PKF و دیلایت کشور هندوستان (دفتر برنامه های انکشافی ملل متحد USAID) نمایندگی امریکا برای اکشاف بین المللی موسسات همکار چون مناسبات کاری و مسلکی وجود داشته است.

موضوعات جرمی:

هیات بازرگانی مطابق به پلان در ادارات دولتی توظیف می شوند، بعد از ترتیب پلان، استناد را همه جانبی بازرگانی می نمایند، بعضًا به موضوعات جرمی مواجه می شوند، قضایای جرمی مواردی را شامل می گردد که از اثر تزویر استناد، جعل، ساخته کاری، اختلاس، تراش کردن و گل کردن استناد، حیف و میل کردن دارایی عامه و سوء استفاده از آن بوجود میاید و هر قضیه شامل رویداد، عناصر جرمی، خساره وارد و متهمین آن بوده چگونگی بازرگانی موشکافانه و دقیق مربوط به درایت مسلکی مفتش می گردد.

دوسیه های موارد حیف و میل دارائی عامه که به لوی حارنوالی محل شده است:

سال ها	تعداد	خساره به میلیون افغانی
۱۳۸۹	۲۵	۴۶
۱۳۸۸	۱۳	۹۳۰
۱۳۸۷	۲۶	۳۹/۵
۱۳۸۶	۴۳	۳۷۷
۱۳۸۵	۲۲	۷۴
۱۳۸۴	۲۰	۸۰
۱۳۸۳	۱۳	۶
۱۳۸۲	۲۶	۴۸

بودجه و امور مالی آن:

قبل بر دوره نوین امور مالی و بودجوي اداره کنترول و تفتيش به مدت کوتاهی مربوط به وزارت ماليه، بعداً مربوط به صدارت عظمي و در زمان طالبان تا اخير سال ۱۳۸۲ مربوط به اداره امور و در حمل سال ۱۳۸۳ استقلاليت بودجوي خویش را حاصل نمود. چون از لحاظ ساختار تشکيلاتي اداره کنترول و تفتيش تحت اثر آن اداره قرار داشت. اما بعد از آنكه اداره کنترول و تفتيش به حیث يك اداره مستقل و تحت اثر شخص رئيس جمهور قرار گرفت، اداره مطابق به نيازمنديهای خویش بودجه عادي و انکشافی سالانه را ترتيب و بعد از دفاع و تفاهم با وزارت ماليه در جريان سال بمصرف مى رساند.

در قانون جديد اداره کنترول و تفتيش که درحال حاضر بمنظور بحث و طی مراحل به پارلمان کشور فرستاده شده است. دراين قانون آمده است که اداره کنترول و تفتيش بودجه عادي و انکشافی خود را تنظيم و به شوراي وزيران ارائه و در جنب بودجه ملي به پارلمان کشورفرستاده شود.

تأسیس و نشر فصلنامه تفتيش:

فصلنامه تفتيش ارگان نشراتي اداره کنترول و تفتش برای اولين بار در سلطان سال ۱۳۸۳ توسط پوهنمل دوكتور محمد شريف "شريفى" رئيس اداره کنترول و تفتيش تاسيس یافته است. نشريه مذكور با محتواي علمي، مسلكى، ادبى، مديريتي به زبان هاي دري، پشتو و انگليسى به تيراز ۱۰۰۰ شماره نشر شده و به ادارات دولتى مرکز و ولايات غرض تبادله اطلاعات، پخش و نشر یافته هاي تفتيش فرستاده مى شود.

كتابخانه مدرن:

كتابخانه اداره غرض فرآيندري و غنامندی دانش مسلكى، مديريتى، تاريخى، ادبى و معلومات آفاقى كارمندان و مفتшин برای اولين بار با ظرفيت ۱۵۷۹ جلد كتب با ابتكار و روحie فرهنگ دوستي رئيس عمومي ايجاد گردید. با گذشت زمان ظرفيت كتابخانه بلند رفته، اکنون داراي بيش از ۵۰۰۰ هزار جلد كتب بوده و ميتوان گفت كه كتابخانه اداره کنترول و تفتيش يكى از كتابخانه هاي مجهر در سطح ادارات دولتى كشور مى باشد.

ایجاد آمریت تفتيش محیطی در سال ۱۳۸۶:

باید گفت که آمریت تفتيش محیطی غرض کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا و عوامل مخرب محیط زیست، جلوگیری از اثرات سوء هواي آلوده بالاي صحت انسان و سلامت محیط زیست، جلوگیری از انتشار و ازدياد عناصر و تغيير دهنده خواص فزيکي و كيمياوي هواي آزاد، بهبود محیط زیست، رعایت معیارهای محیط زیستی، تشخيص مشکلات، دریافت راه های بیرون رفت، فراهم آوری تسهیلات در انجام خدمات بهتر محیط زیستی و تقویه روند تفتيش محیطی به حیث يك پدیده جدید در تاریخ اداره، در سال ۱۳۸۶ هـ ش برابر با ۲۰۰۷ ميلادي با سعي و كوشش پوهنمل دوكتور محمد شريف شريفی و به سفارش دوازده همین اجلاس تفتيش محیطی بين المللي "انتوساى ويگاه" و منظوري دولت جمهوری اسلامی افغانستان شامل ساختار اداري و تشكيلاتي اداره کنترول و تفتيش شده است.

قابل ذكر است که اداره تفتيش نيز از اثر جنگ ها متاثر گردیده، اما رهبری اداره کنترول و تفتيش در يك اقدام دلسوزانه توام بامديريت عالي يك اداره مدرن و مجهر با وسائل، وسایط، تجهیزات و تکنالوژی عصری مجهز گردید. در سایر موارد کاري و مسلكى تسهیلات بهتر مطابق به مقتضيات عصر فراهم گردید.

فعالیت ها و اجرالات عمده اداره کنترول و تفتیش از ۱۳۸۲ - ۱۳۹۰

اداره کنترول و تفتیش بعد از ایجاد اداره موقت تا اخیر سال ۱۳۹۰ فعالیت های مهمی را انجام داده که با تفکیک به بخش های زیر ارائه می گردد.

هیات رهبری اولین کاری که غرض تقویه اداره کنترول و تفتیش انجام دادند؛ آغاز تحولات جدید اداره با استفاده از امکانات جامعه جهانی و کسب عضویت در سازمانهای بین المللی تفتیش مانند انتوسای، اکوسای و اسوسای بود. و این روابط اداره کنترول و تفتیش را وارد مرحله نوین انکشاپی ساخته و با ایجاد ظرفیت های جدید. جایگاه خود را به مثابه اداره عالی تفتیش افغانستان در کنار سایر ادارات عالی تفتیش جهان تثبیت نمود.

بخش مسلکی:

۱. ترتیب رهنمود بازرگانی ها که قبلا در دوره های گذشته چنین روش کاری وجود نداشت که بالاثر آن گزارشات بی محتوا بوسیله مفتشین به اداره موافق نموده و به نتایج مطلوب نمی رسید.
۲. ترتیب و تطبیق سیستم جدید گزارشده درسطح گروپ های تفتیش.
۳. طرح و ترتیب شیوه های جدید پلانگذاری و ترویج پلان های بازرگانی سالانه اداره.
۴. طرح و ترتیب پلان های رهنمودی.
۵. انکشاپ سیستم تهیه و ترتیب گزارشها توحیدی اداره مطابق استندردهای انتوسای.
- ۶ طرح و ترتیب سیستم تحلیل دراداره.
۷. افزایش کمی حدود بازرگانی ها از (۳۵۰) به (۸۶۲) مرجع.

۸. کاهش زمان بازرسی ها در مراجع نظر به فعالیت و حجم بودجه ادارات از ۱۱۵ الی سه ماه.
۹. بهبود در سرعت اجرای اسناد، زیرا دور توظیفات در سال از (۱۶) مرتبه به (۱۶) مرتبه ارتقا یافته است.
۱۰. بازرسی مساعدت های خارجی (پروژه های بانک جهانی WB دفتر انکشافی ملل متحده UNDP فند بازسازی افغانستان ARTF ، DANIDA وغیره) به کمک کمپنی های PKF لندن و Deliotte هندی در ادارات. که جمماً (۳۹۰) پروژه را در بر می گیرد.
۱۱. ارایه و انعکاس یافته های تفتيش يشكل گزارش های توحیدی شش ماهه به مقام محترم ریاست جمهوری و پارلمان طی سالهای ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۰ به تعداد (۱۶) گزارش توحیدی ۶ ماهه ارسال گردیده است.
۱۲. طرح و تدوین لایحه کدری مفتشین اداره.
۱۳. ترتیب لایحه وظایف کارمندان.
۱۴. ایجاد ویب سایت برای اداره www.oac.gov.af.
۱۵. ترتیب مسوده قانون تفتيش وطی مراحل ان الی پارلمان.
۱۶. اغاز و اجرای تفتيش عملکرد بحیث یک حلقة اساسی بازرسی در سال ۱۳۸۹ بطور تجربی آغاز و شش مرجع مورد بازرسی قرار گرفته است. بنابر اهمیت این بخش عده از مفتشین اداره غرض آموزش تفتيش عملکرد به کشور دوست هندوستان فرستاده شده اند و در ساختار تشکیلاتی سال ۱۳۹۱ آمریت تفتيش عملکرد علاوه گردیده است.
۱۷. تهییه و ترتیب پلان انکشافی استراتئیک ۲۰۱۶-۲۰۰۸ اداره.
۱۸. ترتیب استراتئی اداره و بالا اثر ان شمولیت اداره در (سکتور حکومتداری و حاکمیت قانون) استراتئی انکشاف ملی افغانستان.

۲۱. طرح و ترتیب معلومات درمورد عوامل فساد اداری و شیوه های جلوگیری از آن.
۲۲. طرح سیستم جدید، ترتیب و ارایه گزارش نتایج بازرسی حساب قطعیه.
۲۳. با ارایه ملاحظات و سفارشات تفتيش همکاری درجهت ایجاد اداره سالم.
۲۴. ترویج استندردهای انتوسای درعرصه پلانگذاری، اجرای تفتيش و گزارشدهی.
۲۵. چاپ و نشر معیارات انتوسای و تعليماتنامه تفتيش مساعدت ها.
۲۶. ساختمان تعمیر جدید اداره کنترول و تفتيش.

بازرسی خارجی:

بازرسی سفارت خانه ها و نمایندگی های سیاسی افغانستان در خارج از کشور برای اولین بار در سال ۱۳۸۵ به ابتکار اداره کنترول و تفتيش صورت گرفته و تا اکنون () سفارت خانه را در ممالک مختلف جهان که افغانستان نمایندگی سیاسی دارد، مورد بازرسی قرار گرفته است.

بخش اداری و تجهیزات:

- کمپیوترايز شدن فعالیت بخش های مختلف اداره کنترول و تفتيش و دسترسی اکثر مفتشین به کمپیوتر.
- استقلالیت کاری و بودجوی اداره که از تحت اثر ریاست اداره امور بیرون و در بست خارج رتبه تحت اثر مستقیم رئیس جمهوری اسلامی افغانستان قرار گرفت.
- تطبیق ریفورم اصلاحات اداری در اداره.
- تجهیز شبكات و دفاتر با وسائل مورد نیاز و وسایط جهت انتقال روسا و کارمندان.
- وصل اینترنت در دفاتر اداره.
- ارایه راپورهای معلوماتی متداوم به وزارت اقتصاد، اداره مرکزی احصائیه، کمیسیون محترم مستقل اصلاحات اداری.

- بخاطر موثریت بیشتر و تشویق مادی منسوبین اداره برای سه سال منسوبین از اخذ معاش هفت چند مستفید گردیدند.
- بخاطر بهبود کار، توسعه و انکشاف اداره درین دوره در ساختار تشکیلاتی اداره ریاست‌ها و آمریت‌های جدید ایجاد گردیده که از آنها ذیلا نام می‌بریم:
- ریاست نظارت و رسروج، ریاست تفییش داخلی، ریاست دفتر، آمریت تفییش محیطی، آمریت ارتباط خارجه، آمریت تکنالوژی معلوماتی و آمریت مالی و اداری.

همچنان در تشکیل سال ۱۳۹۱ با هدف توسعه اداره آمریت مالی و اداری به ریاست مالی و اداری، آمریت منابع بشری به ریاست منابع بشری، ایجاد ریاست ولایات، ایجاد ریاست عواید.

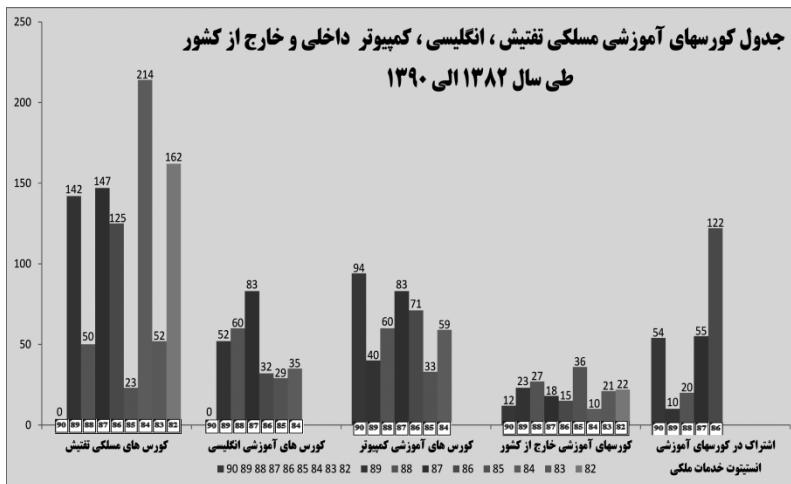
هکذا در زون‌های ولایات بلخ، ننگرهار، هرات و قندهار نمایندگی‌های اداره کنترول و تفییش ایجاد گردیده است.

بخش منابع بشری و آموزش:

۱. در طی سالهای ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ به تعداد(۲۶۱) تن غرض ارتقای ظرفیت به کورس‌های آموزشی انسستیوت خدمات ملکی معرفی شده‌اند.
۲. فراهم اوری زمینه اشتراک برخی مفتشین و روسای اداره درسیمینار‌ها و پروگرامهای آموزشی درکشور‌های خارجی. چنانچه در طی سالهای ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۰ به تعداد(۱۸۴) تن از کتگوری‌های فوق الذکر به خارج کشور اعزام گردیده‌اند.
۳. ایجاد کورس‌های آموزشی انگلیسی و کمپیوتر برای کارمندان چنانچه در جریان سالهای ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۰ جمعاً ۷۳۱ تن کارمندان و مفتشین اداره کورس‌های متذکر را فرا گرفته‌اند.



۴. ایجاد کورس‌های آموزشی مسلکی تفتيش در عرصه های پلانگذاری، اجرای تفتيش، گزارشدهی، نمونه گيري و تقلب، ميتدولوژي جديد تفتيش، اساسات محاسبه و تفتيش، تفتيش اجرات يا Performance Audit، تفتيش تجارتی، تفتيش داخلی، تفتيش خارجي، تفتيش شارواليها، مبادی تفتيش، تفتيش تدارکات، تفتيش ذخایر و غيره به کمک پروژه های PKF لندن و Deloitte هندی و بعضی روسای اداره برای مفتشین اداره و عده ئی از کارمندان ادارات تفتيش داخلی سائر ادارات که جمما به تعداد (۹۱۵) تن که در طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ کورس های فوق الذکر را سپری نموده اند.



نمونه‌هایی از دستاوردهای ۱۳۸۲-۱۳۸۹:

۱. مراجع شامل پلان بازرگانی که در سالهای مذکور در وزارت‌ها، ادارات و ولایات از طریق این اداره تفتيش شده است.

سال ها	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲
مراجع شامل پلان بازرگانی	۹۴۶	۸۷۲	۷۸۹	۷۵۹	۷۷۸	۷۳۳	۴۰۱	۳۴۶
مراجع بازرگانی شده	۸۳۶	۷۴۵	۶۳۲	۵۷۷	۶۱۵	۵۷۳	۴۴۳	۳۴۶
مراجع بازرگانی ناشده	۱۱۰	۱۲۷	۱۰۷	۱۸۲	۱۶۳	۱۶۰	۸	-

۲. گزارش‌ها و دوسيه‌های که جهت رفع نارسائی‌ها، تحصیل حقوق دولت و تحقیق به ادارات ذیربیط ابلاغ شده:

سال ها	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲
تعداد گزارش	۷۷۱	۶۵۷	۶۱۰	۶۹۰	۷۰۱	۶۴۹	۳۹۸	۱۵۸

۳. مبالغ که درنتیجه بازرگانی‌ها از مدارک مختلف به خزانه دولت قابل تحصیل است به ملیون افغانی:

سال ها	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲
مبلغ	۱۰۶۸	۱۵۳۴	۶۰۰	۸۲۹	۳۷۴	۷۳۱	۸۹۴	۵۹

۴. دوسيه‌های موارد حیف و میل دارانی عامه که به لوى حارنوالي محول شده است:

سال ها	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲
تعداد	۲۵	۱۳	۲۶	۴۳	۲۲	۲۰	۱۳	۲۶
خساره به ملیون افغانی	۴۶	۹۳۰	۳۹/۵	۳۷۷	۷۴	۸۰	۶	۴۸

۵. مبالغی که درنتیجه فعالیت‌های این اداره به خزانه دولت تحصیل و یا تصفیه شده است به ملیون افغانی:

سال ها	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲
مبالغ تحصیل شده	۳۹۱	۵۸۹	۴۲۶	۷۶۹	۱۴۹۷	۳۳۶	۳۱۸	۲۴
مبالغ تصفیه شده	۳۶۴۷	۹۱۳	۴۲۹	۶۵۰	۲۱۶	۲۷		

۶. بازرگانی قطعیه سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-دولت.

بازرسی حساب قطعیه دولت

تعريف حساب قطعیه

حساب قطعیه ثبت مکمل اجرای مصارف سالیانه واحدهای بودجوی دولت به مقایسه بودجه منظورشده به تفکیک تادیات قبلی و بعدی و ثبت مکمل عواید دولت با درنظرداشت وجود تحقق یافته و تحصیل شده به مقایسه پیشینی سالانه، را نشان میدهد و یا به عباره دیگر حساب قطعیه صورت حسابی است که چگونگی تحقق بودجه و وضعیت مالی کشوررا طی یک دوره مالی معمولاً یکسال نشان میدهد.

حساب قطعیه آئینه تمام نمای تحقق بودجه است.

اهمیت ترتیب حساب قطعیه

با ترتیب حساب قطعیه وزارت مالیه و مقامات ذیصلاح در روشنی قرارمی گیرند که اجراءات بودجوی چگونه صورت گرفته در کدام عرصه ها عقب مانی و در کدام بخش ها اجراءات بیش از پیشینی تحقق پذیرفته است. ارزیابی علل عقب مانی و افزایش، مراجع ترتیب کننده و تصویب کننده را در ترتیب بودجه سال بعد، یاری می رساند. هرگاه از چگونگی اجراءات معلومات دقیق و روشن دراختیار نداشته باشیم ترتیب بودجه های بعدی شکل آفاقی داشته و تطبیق آن ادارات را به مشکلات مواجه میسازد. بمنظورداشتن تصویر واضح و روشن از وضع مالی کشور و جلوگیری از خطرات احتمالی عدم تحقق و تطبیق بودجه، ترتیب و بازرسی حساب قطعیه، امرلازمی و ضروری است و به همین دلیل قوانین ترتیب و بازرسی آنرا هدایت داده است.

مکلفیت واحدهای بودجوی

واحدهای بودجوی (وزارت خانه ها و ادارات مستقل) طبق قانون اداره امور مالی و مصارف عامه و تعليماتنامه محاسبه مکلف اند درختم سال مالی فورم م-

(۹۱) (راپور قطعیه) بودجه عادی و انکشافی را که در آن اصل منظوری سالانه، تعدیلات طرف سال، تخصیصات حاصله، مصارف و باقیمانده (از تخصیصات واصل منظوری بودجه) را نشان دهد و همچنان راپورهای م ۲۹ و م ۲۷ (راپورهای عواید مرکزی و ولایتی) را بادرنظرداشت عواید پیش بینی شده، تحقق یافته، تحصیل شده و باقیمانده ترتیب و به وزارت مالیه ارایه دارند.

مکلفیت وزارت مالیه

وزارت مالیه براساس هدایت ماده (۵۹) قانون اداره امور مالی و مصارف عامه مکلف است حساب قطعیه را بر مبنای قطعیه واحد های بودجوى، ترتیب و جهت بازرگانی به اداره کنترول و تفتيش ارایه نماید.

مکلفیت اداره کنترول و تفتيش

اداره کنترول و تفتيش به عنوان عالی ترین نهاد مستقل بازرگانی کننده امور مالی و حسابی در سطح کشور بر طبق ماده (۹۸) قانون اساسی ، فقره (۱) ماده (۱۱) قانون کنترول و تفتيش و ماده (۵۹) قانون اداره مالی و مصارف عامه ، مکلف به بازرگانی حساب قطعیه که از جانب وزارت مالیه ترتیب و نهائی شده باشد بوده و گزارش بازرگانی را بمقام محترم ریاست جمهوری و ولی‌سری جرجه شواری محترم ملی ارایه میدارد.

بناء گفته میتوانیم بازرگانی حساب قطعیه دولت به مثابه آئینه تمام نمای وضعیت مالی کشور در واقع بازتاب دهنده چگونگی تحقق عواید و مصارف با توجه به بودجه پیش بینی شده در یک سال مالی می باشد و یکی از وظایف اساسی اداره کنترول و تفتيش را تشکیل میدهد. حساب قطعیه دولت همه ساله از طرف وزارت مالیه بر اساس گزارشات واحد های بودجوى ترتیب یافته و جهت بازرگانی طبق قانون به اداره کنترول و تفتيش ارائه می گردد و این اداره پس از بررسی اظهار نظر می نماید.

نتایج بازرسی همراه با اظهار نظر اداره کنترول و تفتیش به ولسی جرگه و مقام محترم ریاست جمهوری ارسال میگردد. بناء از چگونگی ترتیب حساب قطعیه دولت در سال های گذشته بوسیله وزارت محترم مالیه ذکر مختصر بعمل میآوریم.

در اثر جنگ ها و تغییر رژیم ها از سال ۱۳۵۸ به این طرف جز یک مرتبه در سال ۱۳۶۹ وزارت مالیه قادر نشد که حساب قطعیه دولت ترتیب و جهت بازرسی به اداره کنترول و تفتیش ارایه نماید اما در سال ۱۳۸۳ به اساس ماده ۹۵ قانون اداره مالی و مصارف عامه منحیث تفتیش خارجی و یک نهاد مستقل و بی طرف مکلفیت دارد تا حساب قطعیه سال گذشته را بازرسی و گزارش نتایج بازرسی را در پایان ۶ ماه اول سال ما بعد بمقام محترم ریاست جمهوری و پارلمان محترم کشور تقدیم نماید. که اداره کنترول و تفتیش موضوع را تعقیب نموده وزارت مالیه حساب قطعیه سال های گذشته را ترتیب داده نتوانسته صرف حساب قطعیه سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ را در سال ۱۳۸۳ ترتیب نموده زمانکه هیات بازرسی از کارمندان عالی رتبه اداره کنترول و تفتیش جهت بازرسی آن موظف گردید دیده شد که حساب قطعیه دو سال مذکور ناقص ترتیب شده بود مثلا حساب قطعیه سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ دولت طوری ترتیب شده بود که نظر به تشکیل وزارت مالیه ریاست محاسبات، مکلفیت ترتیب حساب قطعیه دولت را داشت اما ریاست خزاین وزارت مالیه به تنها خود قبل از ترتیب عواید و محاسبات به ترتیب بودجه عادی مبادرت ورزیده و حساب قطعیه بودجه انکشافی را اصلا ترتیب نکرده بود. حساب قطعیه بودجه عادی سال ۱۳۸۳ مرتبه ریاست خزاین نیز بدون تطبیقات با حسابات مربوطه ترتیب و باحساب قطعیه های ریاست محاسبات و ریاست عواید در مغایرت قرار داشت. حساب قطعیه بودجه انکشافی طور ناقص و یک جانبی از طرف ریاست خزاین ترتیب شده بود. بازرسی حساب قطعیه سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نشان داد که اصول موازین در ترتیب حساب

قطعیه هنوز هم طوریکه ایجاب می نماید رعایت نگردیده در ترتیب آن کمبودات و کاستی های وجود دارد.

در حساب قطعیه سال ۱۳۸۶ دولت نیز سفارشات اداره کنترول و تفتيش را به طور کل در نظر گرفته شده و هماهنگی میان قطعیه مرتبه وزارت مالية با قطعیه های ارسالی برخی از ادارات بعضا با سیستم اداره مالي وجود نداشته اکثرا ادارات بودجوي بخصوص در ولايات از نحوه کار سیستم جدید مالي آگاهی كامل ندارد. جدول ذيل چگونگي ارایه حسابات قطعیه سالهای ۱۳۸۹-۱۳۸۶ را نشان ميدهد

تاریخ ارایه حساب قطعیه				سال
قطعیه عواید	قطعیه بودجه انکشاپی	قطعیه بودجه عادی		
۱۳۸۷/۴/۲۷	۱۳۸۷/۴/۱۱	۱۳۸۷/۴/۱۱		۱۳۸۶
۱۳۸۸/۵/۱۹	۱۳۸۸/۴/۱۵	۱۳۸۸/۴/۱۰		۱۳۸۷
۱۳۸۹/۵/۳۱	۱۳۸۹/۴/۲۶	۱۳۸۹/۴/۶		۱۳۸۸
۱۳۹۰/۴/۲۶	۱۳۹۰/۴/۲۹	۱۳۹۰/۴/۶		۱۳۸۹

جدول فوق نشان ميدهد که با وصف سفارش قبلی اداره کنترول و تفتيش مبنی بر ارایه همزمان حسابات قطعیه(عادی، انکشاپی و عواید) قطعیه های مذکور با تأخیر و در مقطع های زمانی متفاوت بدسترس کمیسیون بازرگانی قرارداده شده است. گرچه عدم ارایه بموضع حساب قطعیه و تأخیر ارایه معلومات و اسناد مورد نیاز، سبب سکتگی و ایجاد یک سلسله محدودیت ها در بازرگانی حساب قطعیه گردید با آنهم کمیسیون مؤظف توانست تمام پرسوه بازرگانی موارد پلان شده تفتيش حساب قطعیه را در ميعاد معینه انجام دهد.

باید خاطر نشان ساخت که هشت گزارش تحلیلی حساب قطعیه دولت بعد از ترتیب و ارزیابی، نتیجه و نظریه به مقام محترم ریاست جمهوری و پارلمان کشور ارسال گردیده است.

منابع و مأخذ:

- ۱- د کابل کالنی ۱۳۲۱؛ ۱۹۴۲ شماره (۴۳).
- ۲- د کابل کالنی ۱۳۲۵ و ۱۳۲۴ شماره (۴۷).
- ۳- اصولنامه ریاست عمومی تفتيش امور اداری حکومت در افغانستان، سنبله سال ۱۳۳۰.
- ۴- اصولنامه تفتيش دیوان محاسبات سال ۱۳۴۱.
- ۵- تعليماتنامه ریاست عمومی تفتيش محاسبات صدارت عظمی مصوبه میزان ۱۳۸۴.
- ۶- تعليمات ریاست عمومی کنترول و تفتيش در مورد تنظيم و طرز اجرای تفتيش ثور ۱۳۵۷.
- ۷- قانون تفتيش محاسبات شماره (۳۸۹) سلواگی سال ۱۳۵۶.
- ۸- مقرره ریاست تفتيش عمومی وزارت مالية، شماره مسلسل (۶۱۶) تاریخ طبع ۳۱ سنبله سال ۱۳۶۵.
- ۹- مقرره ریاست عمومی کنترول و تفتيش صدارت عظمی جمهوری دموکراتیک افغانستان شماره مسلسل (۴۶۹) ۳۰ قوس ۱۳۵۹.
- ۱۰- قانون کنترول و تفتيش ضميمه جريده رسمي شماره (۷۹۷) ماه صفر ۱۴۲۲ از صفحه ۸۸ تا ۷۴.
- ۱۱- مقرره اداره کنترول و تفتيش ضميمه جريده رسمي شماره (۷۹۷) ماه صفر ۱۴۲۲ از صفحه ۲۱۱ الى ۲۲۳.
- ۱۲- نوشته های شمس رحیم جانان یکی از روسای مسلکی سابقه دار و متلاuded بخش های مختلف اداره کنترول و تفتيش.
- ۱۳- نوشته های عبدالصبور ناصری یکی از روسای مسلکی سابقه دار و متلاuded بخش های مختلف اداره کنترول و تفتيش.
- ۱۴- استفاده جدول نمونه ای از دست آوردهای سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ ریاست توحید و انسجام.
- ۱۵- قطعیه سال ۱۳۸۹.